

# بزرگداشت انقلاب عمان!

برای اولین بار در ایران و بسا به یک طبقه انقلابی، بدعت کنفرانس وحدت در راه آزادی طبقه کارگر مراسمی با شرکت بیش از ۵ هزار نفر درنجلسل از مبارزان فهرومانانه خلق عمان به رهبری جبهه خلقی برای آزادی عمان در دانشگاه صنعتی شریف برگزار شد. سلاکاردهای متعددی حاکی از بشنیدنی کامل از مبارزات خلقی عرب در عمان و فلسطین و شعارها و نعره‌ها علیه امپریالیسم و ارتجاع دیوارهای سالن را زینت می بخشد. سرودهای انقلابی فلسطینی و عمانی، مبارزه بی امان خلقها را علیه امپریالیسم و ارتجاع نداعی منموند.

در ابتدا پیام کنفرانس وحدت فراتر شد. در این پیام تاریخچه مبارزه خلق عمان، مراحل که ادامه در صفحه ۲

# سالروز شهادت ۵۰ تن از کارگران قهرمان کوره پزخانه های تهران را گرامی می داریم!

بطور روزافزونی به دستگیری رژیم دست نشانده های پایه های نفوذ و قدرت خود را در جهت غارت بیشتر خلقهای ایران مستحکم تر ساختند. غارت و چپاول نفت، این ثروت عظیم ملی از یکطرف و اجرای سیاستهای ضد ملی باند پهلوی و همراه با آن سیاست استثمار وحشیانه کارگران و زحمتکشان از طرف دیگر اقتصاد بیمار ایران را در آنچنان مسیری پیش برد که نمی توانست دیر یا زود، با بحرانی عظیم مواجه نشود. سیاست اقتصادی ضد ملی رژیم کودتا، اتخاذ سیاست "درهای باز"، وامهای گمراه کننده خارجی، رشد سرطانی واردات نسبت به صادرات، همه و همه زندگی فلاکت بار برای کارگران و زحمتکشان و فقر اقتصادی و بحرانی عظیم برای کشور به ارمغان می آورد. بموازات رشد بحران اقتصادی، اعتصابات کارگری رشد و گسترش عظیمی یافت که از سالهای پایانی دهه ۳۰ بتدریج آغاز شد. اعتبار ۳۰ هزار نفری کارگران کوره پزخانه های تهران یکی از پرشکوه ترین اعتصابات کارگری بود که در ادامه در صفحه ۷

طی سالهای بعد از کودتای امپریالیستی ۲۸ مرداد امپریالیستها و در راسشان امپریالیسم انگلیس و امریکا

**سازمان بیکار در راه آزادی طبقه کارگر**

# بیکار

دوشنبه، بیست و یکم خرداد ماه ۱۳۵۸ بها: ۱۰ ریال

# ملی کردن در حرف، دولتی کردن در عمل

آنچه مسلم است این خشم و نفرت توده ها و مبارزات آنها با توجه به سطح بالای آگاهی و شناخت آنها نسبت به ماهیت بانکها نمی توانست بدون رسیدن به هدفهای اساسی در این راه متوقف گردد. این هدف عبارت بوده از:

ملی کردن بانکها یعنی قطع سلطه و نفوذ امپریالیستها در مؤسسات بانکی، از طریق مصادره کردن سرمایه های امپریالیستی و دلان داخلی آنها، تبدیل کلیه بانکها به بانک واحد و اعمال نظارت انقلابی بر آنها از طریق "شورای کارکنان" بانکها.

**ادامه مبارزه**  
به همین لحاظ بود که پس از قیام، توده های ادامه در صفحه ۲

بانکها یکی از وسایل استثمار نیروی کار کشور ما و یکی از اهرمهای مهم امپریالیسم جهانی برای چپاول ثروت های ملی و یکی از مظاهر بارز وابستگی به امپریالیسم بشمار می آید.

توده های ستمدیده ما سالیان دراز با پوست و گوشت خود این استثمار و این چپاول را لمس کرده اند از همین رو با اوج گیری مبارزات انقلابی، خشم و نفرت بی پایان خود را به بانکها، به این مؤسسات غارتگر امپریالیستی با آماج حمله قرار دادن این مراکز، به آتش کشیدن آنها، عدم پرداخت دیون و اقساط بانکی و همچنین افزایش هرچه بیشتر ماهیت عملکرد بانکها از طریق کارکنان مبارزبانکها و نیروهای انقلابی و ... به نمایش گذاشتند.

- بیکاری، علل اساسی، راه حل های اساسی و دولت موقت "انقلابی"! ۳ صفحه ۴
- گرامی باد خاطره مجاهد شهید: رضاضایی ۲ صفحه ۲
- اخبار کردستان ۸ صفحه ۸

# چهره های متعدد ضد انقلاب را در خوزستان افشا کنیم!

دولت موقت بخاطر ماهیت بورژواکشی در حل مسئله بسیار مهم و منرم خلقهای ایران عاجز است و عملاً مسئله خلقها را به صورت کلاف سردرگمی درمیاورد که بازگشودن آن روز بروز مشکلتر می شود. عدم شناسایی حقوق حقه خلقهای ایران و اعمال سیاست آرام سازی از طریق ریش سفیدی و قسم دادن - آنهم برای آنکه فرصت بیشتری برای سرکوب خلقها بدست آید - لاین رفتن و بالاتر از آن همدست شدن با مرتجعترین نیروهای ماسیستی، دولتی، و روسای بنامی، نمانده گرفتن حل مسئله ارضی، تکرار آنها ماتی که رژیم ساق میزد و هرگونه مطالبه برای احیای حقوق ملی را بهای تحزیه طلبی میگذاشت و بالاخره بیمن نیروهای منرفی خلفها و عناصر سرسپرده نحرزه طلب فرقی فائل نشدن، همگی نمودهای سیاست مایمون و بورژواشی است که دولت تاکنون اعمال نموده است.

در خوزستان نیز قضیه در نتمحه اعمال چسبن سیاستی به و خامت بیشتر مگراید. روش اس وقتگی رهبری نتوانست و نتوانست نهادهای آگاه را بر محور خط منی و برنامه های انقلابی بسیج و سازماندهی کند، راه برای عناصر فرصت طلب و بفرقه افکن و نحرزیه طلب و آلت دست فراهم می شود.

بهرحال، از سکتور موضوع حق ملتها و دران - جا بطور مشخص حق خلق عرب ایران را نباید تحت الشعاع برخی انحرافات و نوظه های نحرزه طلبانه که مسلماً جنبه غالب ندارد قرار داد. جهت گیری ی اساساً و تحریکات داخلی با خارجی همواره محکوم اند و تنها ناآگاهی توده های و راه حل های انقلابی می توان آنها را خنثی ساخت.

از طرف دیگر، مسئله سرکوب خلق عرب بحسب لوی مبارزه با نحرزه طلبی به هیچ رو قابل توجه نیست و این همان نشوای است که رژیم جنابیکار پهلوی با توسل به آن به سرکوب خلق های پرداخت. کشتار اخیر خوزستان و حمله به خلق عرب و مراکز خلقی از جانب نیروهای ارتش و اسد ااران محکوم است. تنها راه مبارزه با نحرزه طلبی و عاملین بیگانه که منکوشد خود را در صفوف خلق عرب جا بزنند، رسد خلق عرب به حواسهای عادلانه خود در چهارچوب ایران دمکراتیک و انقلابی است. ■

ما شین دولتی و بخصوص ارتش، به خورد توده هایدهند. آری برای چنین گمانی تسلیم توده های مردم سقوط و نه تسلیم پادگانهای ارتش که موجب رنشد و ابتکار خلقیت توده ها و باگیری و جوشن ارتش خلقی می گردد، حکم سم کشنده را دارد، آنها مجبور - که قیام مسلحانه و منهورانه توده ها را کسب امپریالیسم فلمداد کرده و بیروزی واقعی را نکسب انقلاب جلوه دهند. این به هیچوجه تحت آور نیست، بلکه اگر سجز این بود، می توانست شکست آور و حتی شک بر انگیز باشد. ادامه در صفحه ۳

# خاطره شهید روحانیت مبارز آیت الله سعیدی، گرامی باد

ده سال پیش در روزهای سیاه سال ۴۹ زمانیکه امپریالیستهای جهان خوار خلق های ما را وحشیانه غارت میکردند زمانیکه رژیم شاه صداها را در کلوخه خفه میکرد و کجوش های مقاومت را چنان مورط حمله قرار میداد که از شاخه و درخت اثری نماند، در آنروزها در کنار مبارزان گوناگون خلق، صدای روحانیت مبارز، روحانیت افشار زحمتکش خلق نیز بگوش میرسید، چه بسا رساتر و برپایه سنتهای مذهبی موجود، مؤثرتر.

آیت الله محمد رضا سعیدی هنگامیکه از تجمع چند صد نفره سرمایه داران امریکائی در اوائل ۴۹ در تهران مطلع شد بیایه ای صادر کرد و تلاش امپریالیستها و رژیم را که بمنظور غارت مردم ما صورت میگرفت محکم نمود. موضع ضد امپریالیستی آیت الله سعیدی با توجه به انعکاساتی که من توانست در سطح جامعه داشته باشنده تنها موجب دستگیری بلکه شکجه او تا سرحد شهادت گردید. در همان زمان مهندس سرنیک داودی و صدها مبارزین نام و نشان دیگر نیز شهید گشتند و هریک مشغلی شدند که شیبستان تاریخ کشور ما را بتدریج طی سالهای ۵۰ روشن کردند و پس از قیام های سراسری سرانجام در همین ماه ۵۷ خرمون رژیم شاه خائن را بتأش کشیدند. یاد همه عزیزان منجمه آیت الله سعیدی که جان در راه ایمان و عقیده خویش و در جهت بهروزی زحمتکشان گذاردند، گرامی باد. خون آن شهیدان که علیه شاه و اربابانش مبارزه کردند، پیام آور حفظ همبستگی و اتحاد خلق نیروهای ضد امپریالیست خلق است. این پیام را پاس داریم.

# ما در کجای تاریخ قرار داریم؟

جبهه ملی ایران - نسکلات خوزستان در رابطه با مسائل این منطقه بیانیه ای منتشر ساخته و ضمن آنکه حواستار شده تا به "مردم و مملکت روشن شود" که "ما اکنون در کجای تاریخ ایستاده ایم"، شروع به ارار نظر نموده است.

بهر استعدون هیچ مقدمه ای به درس تاریخ آنها گوش فرا ندم.

درس اول: تسلیم پادگانهای نظامی در روزهای بیروزی انقلاب و بن شدن اسلحه در بین مردم... نا شد کننده این نظر بود که امپریالیسم در صداداست که انقلاب را با ضد انقلاب سرکوب کند. (کتابها ۱۷ خرداد، اعلامیه مذکور) نتیجه گیری: تسلیم باد گانها و تسلیم توده ها خواست و نقشه امپریالیسم برای سرکوب انقلاب؟ ما ضد انقلاب بود.

چه درس آموزی شکرگی! روشنفکران بورژوازی ما چقدر خوب دست خود را رو کرده و کار ما را آسان و تکلیف توده ها را زروسی می سازند. این آفانان که بنا همین اواخر با افتخار عسوان می کردند که برای آنها "شکل حکومت" یعنی سلطنت با جمهوری، مهم نیست (ار مباحثه های ستحابی)... بلکه مهم دمکراسی است و نه توده ها حسن وانمود می کردند که گویا شکل حکومت با محسوی آن ربطی نداشته و در سلطنت و آنهم سلطنت شاه خلد نیز وجود دمکراسی امکان پذیر است و بدین ترتیب به تطهیر و تقدس چهره خویشوار شاه پرداخته و توده ها را به مارش بند و بست با سلطنت دعوت می نمودند.

انسان که در دوران بنخبار (این یاد درسته شان) نمام بلایش خود را بکار بردند تا توده ها را بفرسند، آنها را به "مشروطه" مانع کرده و در انقلاب را از مسیر خود منحرف سازند.

انسان که پیروز به شکست احیای تلاشهای نجات سلطنت، توده ها را از اقدامات انقلابی و راه دنگال ترسانند و می خوانند، سستم حکومتی فبلی را با کمی روغن کاری، بدون لطمه خوردن به مضع و موقعیت امپریالیسم، بدون دست خوردن به

# پیشن بسوی تشکیل حزب طبقه کارگر

# حماد شیبانی را آزاد کنید!

## گرامی باد خاطره مجاهد شهید:

### رضا رضائی



۲۵ خرداد ۵۲ مجاهد دلیرمبارزی خستگی ناپذیر که همپوش دیگر همزمانش جان خویش را در راه مبارزه با امپریالیسم و رژیم دست نشانده شاه و در جهت بهروری زحمتکشان خلق گذارده بود بدست دشمنان ساواک بشهادت رسید. رضا یکسال و نیم در سخت ترین شرایط که آنروزها بر جامعه ما و بر سازمانهای انقلابی میگذشت با شکیبایی و احساس مسئولیت انقلابی رهبری سازمان مجاهدین را بعهده داشت. آنچه در اینجا گفتنی و تأکید بر آن لازم است جهتی است که رضا و همزمانش در مبارزه اختیار کرده بودند و آن عبارت بود از منافع زحمتکش ترین اقشار جامعه را در مد نظر قرار داشتن در همین رابطه است که رضا بین خط مشی مجاهدین و خط مشی آنها که مصلحت اندیشانه دم از حمایت مجاهدین میزدند قاطعانه خط فاصل می کشید. برای مثال در مورد یکی از افراد پرمعنا ی فرصت طلب که امروز مقامات عالیه هم رسیدن است، رضا گفته بود: "وقتی قالی های کرمانی چند لایه را از زیر پایش بیرون کشیدیم آنوقت معلوم میشود که چقدر طرفدار ما است." این بود چشم انداز راهی که رضا می پیمود.

خونخوار داخلی و خارجی در بانکها صحنه گذاشته است. دو کلمه "مشروع" و "مشروط" همان کلاه شرعی معروف برای درامان نگه داشتن اسر سرمایه ها، از "خطر" مصادره به نفع طوق است. معلوم نیست سرمایه دارانی که سالبان دراز نیروی کار زحمتکشان ما را استغنا کرده اند، سالبان دراز تولید کنندگان و فروشندگان کوچک را غارت کرده اند، سرمایه دارانی که چند برابر سرمایه اولیه خود را یا به خارج برده اند تا صرف عیاشی و خوشگذرانی های خود کرده اند نه چه نحوی حق مالکیت "مشروع" و "مشروط" می توانند داشته باشند؟ معلوم نیست سرمایه داران غارتگر امپریالیستی و دلان داخلی آنها، که ساواک و ارتش ضد خلقی و غیره و غیره هم برای حفظ منافع آنها، پاسداری از غارتگری آنها، و تمصین بقای آنها بوجود آمده بود. چگونه مالکیت شان از جانب "دولت موقت" - "مشروع" و "مشروط" تلقی میشود. واقعا آیا حتی یک سرمایه دار با نکتی (اعم از خارجی و داخلی) میتواند در سیستم گذشته مالکیت "مشروع" و "مشروط" داشته باشد؟ با معای "مشروط" و "مشروع" از جانب بورژوازی از یواز جمله "دولت موقت" چیز دیگری است؟

ادامه از صفحه اول ملی کردن...  
انقلابی و تمام نیروهای م. ل. و دمکرات و ضد امپریالیست، محو شاعر ملی کردن بانکها (با همان محبوسانی که کفسم) و نقض این خواستاساسی توده ها تا کدی می کردند. در این میان از جانب نیروها و عناصر خلقی که در سیستم حکومتی ملی شرکت دارند نیز به انقلاب مشخصی در مورد برآوردن این خواست دیده می شد (نظر مواضع حامای دکتر سامی) که عمدتا بر همان اصل مدکور یعنی فسخ سلطه سرمایه های خارجی از بانکها - منتهی با همان سیاست خاص خود) تکبسه می نمود.

اما "دولت موقت" و سایر محافظ بورژوازی شاعر ملی کردن واقعی بانکها (و اعمال نظارت انقلابی بر آنها) راهمانند دیگر خواسته های توده های ستم - دیده که محافظت آنها انقلاب کرده اند، غیر عملی و چپگرایانه ارزیابی کرده و در مقابل به ساسست بورژوازی خود در حفظ سیستم قبلی با نگاه از طریق کمک مالی و دادن تضمین به آنها ادامه می دادند. معین سر رئیس سازمان برنامه در این مورد ضمنی کمرنگ جلوه دادن اعمال غارتگرانه صاحبان سهام عمده این بانکها (موسسین و سرمایه گذاران اصلی آنها) می گوید:

"طی حد ماه گذشته بانکهای خصوصی... بانک مرکزی میلناردها ریال وام گرفته اند بانوا - سند تعهدات خود را انجام دهند و از طرف دیگر وضع برخی از بانکهای خصوصی... نحوی بود که اگر کمک - های دولت... به آنها قطع مسد احمال و رسکسنگی آنها وجود داشت..."

همینطور، حتی مواردی بود که از جانب مقامات بانکی "دولت موقت" مسئله ملی شدن بانکها منتفی اعلام میشد...

## قطعه نامه

پیام شرکت کنندگان در مستنگ نیم زوش در تهران به جبهه خلق برای آزادی عمان:

درود ما و کلبه توده های مبارزان را شما سبب چار - دهمین سالگرد آغاز انقلاب مسلحانه خلق عمان بپذیرد. توده های ما مبارزات دلیرانه خود سوزیه با مبارزات یکسال و نیم گذشته و قیام مسلحانه بهمن ماه توانستند رژیم ۲۵ ساله سلطنتی و ته مانده آن شاه خائن را سرنگون کنند و این کابوس ارتجاع و امپریالیسم رانه تنها از سر خود بلکه از سرنامی خلقهای منطقه دور نمابند. اینک ما پس از برداشتن اولین گام بهروری و در حالیکه همچنان برای قطع کامل سلطه و نفوذ امپریالیسم و بقایای ارتجاع مبارزه میکنیم، اعلام میداریم که مبارزات شما همیشه موردتأشد و ستاینده های مبارز ما بوده و هست. خلقهای ما همچنان تاریشه کن کردن کامل امپریالیسم از ایران و دگرگونای منطقه به مبارزات خویش، دست در دست شما، ادامه خواهند داد.

همزمان گرامی

- ۱- ما مبارزات عادلانه خلق شما را در راه آزادی عمان تا بهروری کامل تا سید میکنیم.
- ۲- ما افتخارات ارتش شاه سابق را علیه خلق و انقلاب شما محکوم میکنیم و خواستار محازات مرتکبین آن هستیم.
- ۳- ما معتقدیم که در برابر شما همه جا تنه امپریالیسم و ارتجاع باشد فتنه ای از خلقها و نیروها منطقه بوجود آید. اتحاد خلقهای ما و خلق عرب در عمان و فلسطین و جاهای دیگر پیوسته ضروری است.
- ۴- ما هرگونه سرپوش نهادن در جناح با ارتش شاه در عمان و هر گونه بی اعتنائی با انقلاب عظم خلق شما را محکوم نموده آنرا صحنه گذاردن سرفراز شاه ارزیابی میکنیم.
- ۵- ما معتقدیم همانگونه که انقلاب فلسطین حق در ایران نمایندگی دارد، داشتن دسر نما بیندگی برای کمک به شیدر مبارزات دمکراتیک و فدا میریالیستی خلق عمان نسز، ضروری است.

با درود و اواوا به شهدای انقلاب در ایران و عمان

اجتماع کنندگان مسنگ نیم زوش (۱۹ خرداد) - بهران

ادامه از صفحه اول بزرگداشت...  
انقلابی الهای گذشته پسموده، حملات امپریالیستها و مرتجعین عرب و دخالت ارتش شاه سابق برای سرکوب انقلاب و همچنین اوضاع کنونی جنبش انقلابی عمان و جلوه های همبستگی و روابط بین - انقلابیون ایران مورد بحث قرار گرفت. سپس پدر رفیق حماد شیبانی جریرک فدا شعی خلق، درباره دستگیری، فرزندش و اعتصاب غذای او صحبت کرد و جمعیت با فریاد "حماد شیبانی آزاد بایدگردد" حمایت خود را از این مبارز زندانی و بطور کلی از ضرورت موقوف شدن هرگونه اقدام علیه نیروی انقلابی ابراز داشتند. سپس یکی از همسوزان مبارز و سالخورده قطعه شعری را که در حمایت از مبارزات خلق عمان (ظفار) سروده بود قرائت کرد که مورد استقبال حاضرین قرار گرفت. پیامها ی نیز: "سوی دانشجویان مبارز طرفدار آزادی طبقه کارگر، شورای موسس کانون دیپلمه های بیکار تهران گروه انقلابیون مارکسیست لنینیست - بیکار خلقی دانش آموزان مبارز گروهی از کارگران بیکار فراتست گردید. ناگفته نماند که با طرفه نظر ارت کمیته برگزار کننده در برخی پیامها موضع گیریهای اتخاذ شده که الزاما نظر کنفرانس وحدت نمی توانست باشد. سپس قطعه نامه میتینگ از سوی اجتماع کنندگان تصویب گردید که متن آنرا در همین شماره ملاحظه منما کنید. در پایان، فیلم "ذقت ساعة التحرير نزه با استعمار" : "لحظه آزادی فرا رسید. استعمار گورت را کم کن" - که یکی از بهترین فیلمهای است که در بهار انقلاب عمان ببشاز حمله ارتش شاه به مناطق آزاد شده ظفار تهیه شده - نمایش داده شد.

ما امیدواریم این تحلیل سراز معر می بیشتر انقلاب عمان به مردم مبارز ایران بوده و در تحکیم همبستگی با خلق قهرمان عمان که خود از قربانیان رژیم شاه خائن می باشد، کمک کند.

کمیته تبلیغات سازمان پیکار در راه آزادی طبقه کارگر نیز در بزرگداشت این روزتقوم دسواروی ویژه ای که با تصاویری از انقلابیون عمان زسب یافته همراه با نواری از سرودهای انقلابی عمالی منتشر ساخت.

اما برای دولت ادامه این سیاست چه به لحاظ سیاسی و چه به لحاظ اقتصادی نامکن بود:

از لحاظ سیاسی، فشار توده های ستم دیده و آگاه و نیروهای انقلابی که خواستار فسخ کامل نفوذ امپریالیستها از بانکها بودند از نظرف و عملکرد و فشار نیروها و عناصر یک در سیستم کنونی حکومتی شرکت دارند - از درون این سیستم - مانع از ادامه وضع بانکها بصورت سابق بود.

اما از لحاظ اقتصادی، حل بحران همه جانبه اقتصادی و نجات دادن سرمایه داری از اسببست و رکود، سرمایه داری ایران را با مسائل مبرمی در رابطه با بانکها روبرو میکرد که ما اشاره کوتاهی به برخی از آنها می کنیم.

## ناچاری دولت

اول اینکه سیستم بانکی موجود به لحاظ فرار سرمایه ها از جانبها مداران اصلی آن و عدم پرداخت دیون از جانب توده های خرده یا که اس عدم پرداخت علاوه بر فقر اقتصادی دارای جنبه های مشخص سیاسی نیز - که ناشی از نفرت این توده ها به بانکهاست - می باشد، بدین ترتیب با عدم پرداخت این دیون، بانکها عملا در معرض ورشکستگی قرار دارند.

دوم اینکه بدلیل همین ضرورت شکستگی، مبادلات نازرگانی و معاملات دیگر خارجی و داخلی، که بر اساس سیستم بانکی صورت میگردد دچار اشکالات اساسی است.

سنا بر این سرمایه داری ایران برای خروج از این اسببست، می بایست حداقل به یک رقم هرچند سطحی ن در دهد تا بتواند توده های بدهکار خرده پا و متوسط را وادار به پرداخت دیون خود (این بار نه به بانکها بلکه به دولت موقت "انقلابی") از یک طرف و ایجاد تحرک در زمینه مبادلات نازرگانی و معاملات دیگر و... نماید. و نا نوجه به اینکه اس رقم مسسر برای نجات سرمایه داری صورت میگیرد، ما ساهد می بویچی به اساسی برس خواست بوده - ها هسبم. سایدی که در قانون "ملی" کردن بانکها بر حفظ "حق" سرمایه های امپریالیستی و دلان داخلی آنها با عنوان "صص قبول اصل مالکیت مشروع مشروط... سده اسبجوبی نشان میدهد که "دولت موقت" از موضعی که بوده هسبا حواسار ملی کردن بانکها هستند، عملی نکرده است. بلکه بالعکس بر "حق" مالکیت سرمایه داران

## از انتشارات جدید سازمان:

تعمیر و تحولات درونی سازمان مجاهدین خلق ایران (۵۲-۵۳)

کتابهای انقلابی - سیاسی - فقهی بهمن ۵۷

## هموطنان مبارز!

کمکهای مالی خود را به حساب جاری شماره ۵۸۷ بانک صادرات ایران - تهران شعبه ۱۳۲۹ خیابان کارگر (امیر) آباد جنوبی سابق) واریز نمایند.

درس دوم: "تیراندازی های چند روز گذشته ( خوزستان ) ... نتیجه شکیبایی سنجایی بود که مناسجه در مرکز وجود داشت " ( همانجا )  
نتیجه گیری : دولت می ناسی خلی زودتر از اس به سرکوب خلق عرب می برد احب .  
ه دولت اسانکه بزاز کردستان و کند ، به سرکوب میرحما به خلق عرب برداخته ، مقرر نیست ، بلکه سکو و گلابه حبیه ملی از دولت این است که چرا زودتر از این و تدیند از این به سرکوب خلقها و پاسالی حقوق ملی آنها و اعمال شونسم نپردا ... خسته است !

ار نظر جبهه ملی دولت از این لحاظ که حقوق حقه خلقها را نادیده میگیرد و مانع رسیدن آنها به خواست های عادلانه می گردد به هیچوجه مقرر نیست . بلکه گناه و شکیبایی سی جای او در آنتست کسه از همان اول با قدرت تمام و نه زور اسلحه به سرکوب توده ها و اعمال تاموکامل خفقان و ترور منوسل نشده ، تا خلقها نتوانند حتی خواستهای خود را نیز بیان داشته و برای بورژوازی در سر اسناد کنند .

درس سوم : " از بکطرف روابطن را با بخشی از دنیا تیره میسازیم تا در مجموع دنیای عرب و بلاخره به نهضت فلسطین کمک کنیم ، از طرف دیگر همینجا که می نایستی همینه دست دوستی مسا را بفشارند ، معلم تربیت چریک به میهن ما گسیل می کنند "

نفرت و خشم سی پایان این آقایان را از اینکه روابط عادی با نهضت فلسطین برقرار شده است ، نگاه کنید !

این آقایان روشن فکران بورژوازی چقدر ناراحت اند که چند روزی روابط با امپریالیستها شکر آب شده است . و چقدر کم تحمل اند که چند روزی سفیر کبیر آمریکا در ایران را نمی بینند !

ه آنها می خواهند بهر نحوی که شده ثابت کنند روابط با خلقها به نفع دولت یعنی به نفع بورژوازی نیست و همخونهای خود را در دولت نصیحت میکنند تا سر عقل بیایند . اما آنها فراموش کرده اند که خلقهای ما با تجربه کردن ۱۵ خرداد و قیام های ۵۷ سال ۵۷ و بالاخره قیام بهمن ۵۷ مهر باطل بسر تمام شیوه های بستن نشینی و تسلیم طلبی سران جبهه ملی زده اند و امروز مردم ما با پوست و گوشت و استخوان خود احساس میکنند که وقتی " آقای سنجایی " می گوید که :

" طلب اسعما می مخالفت با دولت نیست ، بلکه مخالفت ناسی دولتی است . "

منظور این نیست که دولت در اینک در راه ادامه انقلاب ناپروزی نهائی یعنی قطع سلطه و نفوذ امپریالیسم مانع ایجاد می کند ، در اینک حقوق ملی خلقها را به رسمت نمی شناسد و . . . مورد استعاد می باشد ، بلکه فقط از این جهت قابل مخالفت است که با سرقراری دیکتاتوری ، قاطعانه از مناقع بورژوازی و اربابانش دفاع نمی کند . خلقها را با سارت و قدرت هرچه بشتری سرکوب نمیکنند . . .

تاریخ چقدر خوب واقعات را روشن ساخته و نشان میدهد که جبهه ملی در کجای تاریخ قرار دارد ؟

### سخنان یک روستایی -

یکی از روستائیان بی زمین روستای خمید از اطراف میانسو آب می گفت : ما در رژیم گذشته از همه چیز محروم بودیم ، زیر ظلم و ستم اربابان و زاندارمهای دولت بسر می بردیم ، آواره شهرها شده با مزد های کم بی خبر از زن و بیچه مان برای سرمایه داران کار می کردیم . آن موقع که دولت وام کشاورزی می داد بما می گفتند : وام کشاورزی را به آنها تیکه زمین دارند می دهم .

بعد از عید وقتی دولت می خواست بروستائیان وام دهد ما نیز مراجعه کردیم ولی ما گفتند : قبایله ندارید . گفتیم : زمین های ما را اربابها گرفته و پس نداده اند ، ولی آنها قبول نکردند . چرا حالا که دولت اسلام می خود را حامی زحمتکشان قلمداد می کند آن جوابی را که دولت گذشته بما داده بما می دهد تازه وام را به کتا ورزان با بهره می دهند در صورتیکه قبل از انقلاب می گفتند در دولت اسلام از نزول و بهره خبیری نخواهد بود .

## جنبش دهقانی اوج میگیرد

جنبشهای دهقانی ملی بخصوص پسا زنبان ما بهمن ماه اوج تازه ای یافته است . در تاریخ مبارزاتی میهن ما هیچگاه جنبش های دهقانی و ملی تا به این حد از رشد و شور و زندگی دست نافته بودند .  
قطب بندی طبقاتی در مناطق روستائی و بخصوص مناطق مسکونی ملیت ها شدت در حال تکوین است . سازمان توده های تحت ستم ، دهقانان رنج دیده از یک طرف ، و فئودالها و مرتجعین از جانب دیگر به سرعت دارد شکل میگیرد . دهقانان ستم دیده برای نابدی بقایای سیستم کهن و جابرانه ، و برای نه دست آوردن حقوق حقه خویش در حال ایجاد و گسترش اتحادیه های انقلابی خود هستند . در همان حال فئودالها ای محلی و مرتجعین نیز برای حفظ مناسبات کهن ، اتحادیه ها و تشکیلات ضد انقلابی و ضد خلقی خود را بوجود می آورند . در حالیکه در بسیاری مناطق حمایت دولت موقت و برخی کمیته ها را پشت سر خود دارند .

سرنوشت انقلاب دمکراتیک و ضد امپریالیستی مردم ستم دیده میهن ما بیش از پیش وابسته به چگو - نگی و بقا و رشد این قبیل موسسات خلقی از یک طرف و چگونگی مبارزه بر علیه تمام آن موسسات ( سازمان و اتحادیه های ) که برای ادامه استثمار جابرانه ملاکین و سرمایه داران وابسته به وجود آمده اند بستگی پیدا کرده است . در این میان هر جریانی که بخواد این مرزبندیهای عربان طبقاتی را با پرده های اوهام انگیز و مردم فریبی مخدوش سازد عملا به منافع خلق ضربه میزند . جریانی کسه اینهمه حقایق فولادین جامعه ما را با رنگ اسلام و غیر اسلام مشخص میکند ، فراموش میکند که ماسک اسلامی زدن برای فلان فئودال سر تا پا فاسد و تا مغز استخوان ضد خلق ، کاری ندارد . در حالیکه همین فئودالها با هرگونه راه حل مسائل ارضی ، که زمین را از دست او خارج سازد و حق را به حق دار بدهد و دهقانان ستم دیده را از دست او خلاص سازد سرچنگ دارد . در زیر یکی از بیانییه های دهقانان یک منظره را که در خواست هایشان نه مذهبی و یا غیر مذهبی بلکه آشکارا نشانه قیام بر علیه ستم و جور است ، میخوانیم . فئودالها دشمن اند ، دولت موقت " لاقید " است . این است درکی که دهقانان از زندگی سرتاسر رنج خود ارائه میدهند :

### بیانیه اتحادیه ده نشینان منطقه تیلکوی

بسم الله الرحمن الرحيم

ما کشاورزان و خوش نشینان روستاهای منطقه تیلکوی شهرستان سقز روز دوشنبه مورخ ۵۸/۲/۱۷ ساعت ۲ بعد از ظهر به منظور اتحاد و اتفاق بیشتر با هم و در جهت پیشبرد اهداف خود و مقابله با هر خطری که جان و مال و ناموس ما را تهدید می کند در روستای جنیان جمع شده و انجام خواسته های خود را شرح زیر از دولت موقت اسلامی و رهبری امام خمینی خواستاریم :

۱- ما اینکه آیت الله طالقانی و داریوش فروهر وزیر کار و امور اجتماعی و احمد صدر حاج سیّد جوادی وزیر کشور خواستهای بر حق ملت کرد را تأیید کرده اند ، که همان قطعه نامه ۸ ماده ای مهیاباد و قطعه نامه سنندج میباشد ولی متاسفانه تا کنون دولت موقت در این مورد سکوت کرده و هیچ گونه اقدامی ننموده اند بلکه دولت موقت برنامه های رادیویی کردی را بدون اینکه دلیلی داشته باشد قطع کرده اند . ما بار دیگر خواستهای بر حق خود را تکرار میکنیم و شیخ عزالدین حسینی را تنها نماینده و سخنگوی ملت کرد با دولت موقت میدانیم .

۲- در صورت دایر شدن پاسکاهای ژاندارمری در منطقه انتخاب روسا و افراد انتظامی ( پیشمرگه ) باید با نظارت و تأیید نمایندگان اتحادیه ده نشینان انجام گیرد .

۳- تعیین فرماندار باید برای مردم شهرو روستا صورت پذیرد .

۴- تعیین بخشدار که حوزه ما موریتش سطح روستاهای منطقه است باید با نظارت و تأیید نمایندگان اتحادیه ده نشینان صورت گیرد .

۵- توجه به بهداشت روستاها و احداث دایر نمودن درمانگاهها در روستاهای مط

۶- احداث دایر نمودن حمام و تأمین برق برای تمام روستاهای منطقه .

۷- تأمین آب آشامیدنی روستاها و اقدام در مورد تأمین آب کافی برای اراضی مزروعی از طریق حفر چاه عمیق و نیمه عمیق و قنات و سست سد بر روی رودخانه ها .

۸- دادن وام دراز مدت و بدون بهره به کشاورزان و دامداران و خوش نشینان .

۹- چنانچه بذر و کود سهمیه این شهرستان از مرکز ارسال شد تقسیم آن در بین روستائیان با نظارت اتحادیه ده نشینان باید صورت گیرد .

۱۰- اقدامات عمرانی در مورد سوسازی های کشاورزی و ساختمانی و احداث چاه شوشه برای دهات .

۱۱- خلع سلاح نمودن قوری محمد صدیق خان جاف و قطع کمک و اخراج دارودسته خود فروش قیاده موقت .

۱۲- محکوم نمودن شورای عشایری که بوسیله فئودالهای ضد خلقی و مرتجع محلی در شرف تاسیس آن است و در ضمن خرده مالکانی که مانند ما زحمتکشند و با فئودالها رابطه ای ندارند برادر ما هستند .

۱۳- بخشودگی پرداخت وجه قیو با قسایطی به کشاورزان .

۱۴- لغو اجاره بهای ساختمانی از خوش نشینان بوسیله مالکان .

۱۵- فروش گندم به خوش نشینان به منظور استفاده خود و خانواده شان از طرف اداره غله به قیمتی که به نانوایان شهر فروخته میشود .

۱۶- ما با تمام قدرت پشتیبانی خود را از اتحادیه دهقانان ( به کبیته جونیاران ) مریوان و هورامان - کامیاران - سردشت اعلام میداریم .

۱۷- ما شدیداً جنگهای احتمالی و خامن سوز - سنندج - گنبد کاووس - نغده را محکوم میکنیم و خواستار مجازات عاملین و مسبین این واقعه های جان گداز میباشیم از دولت موقت میخواهیم که در این موارد سکوت ننماید چون بی توجهی دولت موقت جمهوری اسلامی باعث هرج و مرج و ناامنی در منطقه میگردد .

و تا کنون ثابت شده که سکوت دولت باعث تقویت ارتجاع شده است .

۱۸- ما عمل خائسانه مالکین مرتجع ارومیه - سلماس - علیه دهقانان آن منطقه را محکوم و پشتیبانی خود را از دهقانان آواره شده اعلام میداریم .

۱۹- ما کشاورزان ار دولت موقت میخواهیم که محصول کشاورزی را به قیمت عادلانه خریداری نماید و نماینده کشاورزان در تعیین نرخ محصولات داشته باشد .

اسامی روستاهای شرکت کننده در جلسه اتحادیه ده نشینان منطقه تیلکوی :

- ۱- جنیان ۲- ایراب ۳- قلعه جقه ۴- ایران شاه ۵- ضامن آباد ۶- شریف آباد ۷- شمش ۸- تیما نقله ۹- تازه آباد ۱۰- باسماق ۱۱- جعفر خاگان ۱۲- گاو کج علیا ۱۳- گاو کج سفلی ۱۴- علی آباد ۱۵- تخت ۱۶- ایوب ۱۷- تصریبک ۱۸- شاگل ۱۹- چناره ۲۰- خانه میران ۲۱- سیف آباد ۲۲- چابان ۲۳- تلمه گاه کور کور ۲۴- قره گل ۲۵- قاچیان ۲۶- فتاح آباد ۲۷- کانی سیدشکوه

منظر ما این بیانییه یکی دو موضوع مهم را در رابطه با خواست های دهقانی از قلم انداخته و نسبت به آن توجه نکرده است . یکی موضوع مهم و بسیار

اساسی مصادره زمین های فئودالی به نفع دهقانان است ، و دیگری اداره مجتمع های بزرگ کشاورزی ( کشت و صنعت و ... ) مصادره شده توسط شوراها دهقانی.

مقدمه

در شماره قبل توضیح دادیم که بیکاری در رژیم سرمایه داری امری ناگزیر است. و گفتیم که حاکمیت رژیم سرمایه داری وابسته بر میهن ما، به بیکاری ابعاد بسیار بزرگتر و گسترده تری داده است. همچنین توضیح دادیم که حل اساسی مسئله بیکاری فقط در صورتی ممکن میگردد که رژیم سرمایه داری وابسته سرنوشت جمهوری دمکراتیک خلق، به رهبری طبقه کارگر جایگزین آن گردد. در عین حال که حل قطعی و نهائی مسئله بیکاری صرفا در جامعه سوسیالیستی امکان پذیر میگردد.

و به نقش دولت موقت اشاره کردیم و نشان دادیم که چطور عملا در مقابل خواستهای اساسی و اصولی توده های خلق ما و بخصوص طبقه کارگر مقاومت مینماید و به همین دلیل، هرگز قادر نخواهد بود به مسئله بیکاری جواب قطعی بدهد. در این شماره ما به طرحهای مختلفی که تا بحال در مورد تأمین زندگی کارگران بیکار - چه از طرف کارگران و چه از طرف دولت موقت - عنوان شده است، میپردازیم.

قسمت دوم - " طرح "

ما گفتیم که اصولاً حل " قطعی مسئله بیکاری در رژیم سرمایه داری نه فقط ممکن نیست، بلکه سرمایه داران برای پاشن نگه داشتن سطح دستمزدها و مقابله با مبارزات کارگران و... همواره مایلند که در صدی از کارگران بیکار باقی بمانند. در ضمن واضح است که دولت فعلی به علت خصلت ضد انقلابی و ضد کارگری خود، همانطور که تا بحال در عمل نشان داده است، قادر نیست گره گشای مسئله کارگران بیکار و بیکاری باشد. اما این بدان معنی نیست که کارگران از هرگونه کوششی برای بدست آوردن حقوق خود از همین دولت، چشم پوشی نکنند. کارگران در عین حال که معتقدند حل قطعی مسئله بیکاری نه تنها توسط این رژیم بلکه توسط هیچ رژیم سرمایه داری دیگری ممکن نیست. باید با تشکل هرچه بیشتر خود و اعمال فشار، دولت را به عقب نشینی و دادن امتیازات بیشتر وادار نمایند.

سوالی که در اینجا برای ما مطرح میشود این است که این تشکل چگونه بایستی باشد، و کارگران حول کدام طرح اصولی بایستی گرد بیایند تا موفقیت آنها در عقب نشاندن رژیم و کسب امتیازات از آن، موفقیت آمیز باشد؟

کدام طرح بِنفع کارگران است؟

در مورد چگونگی این تشکل ما در شماره آینده صحبت خواهیم کرد، در اینجا میپردازیم به اینکه کارگران بیکار از ابتدای شروع مبارزاتشان چه طرحهایی را در دستور خود قرار دادند، و کدامیک از آنها اصولی و صحیح بوده است، از طرف دیگر دولت چه طرحی را ارائه کرده و با طرح کارگران چه برخوردی داشته است؟



به تدریج و همراه با شدت گرفتن بحران سیاسی- اقتصادی رژیم منفور پهلوی، مبارزات کارگران بیکار در اشکال مختلف شروع شد. عمومی ترین تشکل این مبارزه، تحصن در کارخانه ها بود. سرمایه داران، وقتی اوضاع را نابسامان دیدند (از نظر خودشان) و خطر را احساس کردند، دسته دسته فرار میکردند و سرمایه های کلانی را به همراه خود می بردند. آنها می رفتند و کارگران در کارخانه ها بیکار میشدند. کارگرانی که یک عمر مورد اجساد و استثمار قرار گرفته بودند، باز هم در شرایط سخت تری قرار میگرفتند. تحصن های زیادی مخصوصاً در تهران و شیروز و آبادان و اصفهان بر پا شد. ولی کم کم فکر راه پیمائی مستقل کارگری در کارگران پیدا میشد و حتی بیکار توسط کارگران سیمان ری نیز در شهران نظا هرات مستقل کارگری انجام گرفت.

بعد از قیام این سیر تکاملی ادامه یافت. کارگران در نظرات خبیانی و تحصن های مختلف خواستهای به حق خود را مطرح میکردند. اولیین

خواست آنها " حق کار " بود. کارگران کار میخواندند. آنها میگفتند: "به ما کار ندهید تا کار کنیم و شکم زان و جبه هایمان را حداقل مثل گذشته نیمه سیر نگه داریم."

کارگران میگفتند:

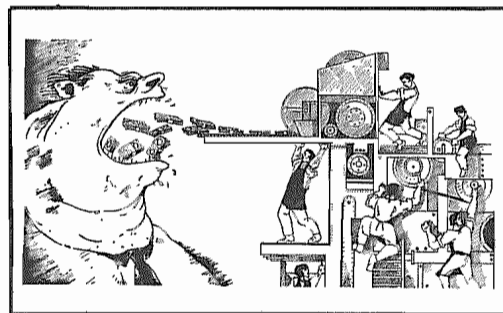
" سرمایه داران داخلی و خارجی وقتیکه کارخانها را کارشان رونق داشت با دستمزدهای ناچیزی ما را استخدام میکردند، حالا که دولت جدید سرکار آمده و به سرک قیام مردم بسیاری از سرمایه داران فراری شده اند، باید برای ما " کار " تهیه کند. ما کار می خواهیم تا در سارندگی مملکت سهمناک باشیم."



بیکاری، علت اساسی، راه حلهای اساسی و دولت موقت " انقلابی "

اما گوش دولت به این حرفها بدهکار نبود. کارگران ملی شدن بانکها، ملی شدن سرمایه ها و صنایع بزرگ و وابسته، ماداره زمینهای زمینداران بزرگ و وابسته را می طلبیدند و بدرستی تشخیص میدادند که حل مشکل بیکاری از این طریق میسر است. اما دولت در عوض به کمک رساندن به سرمایه داران بزرگ و به کوشش برای برگرداندن سرمایه داران فراری مشغول بود!

بعد از " حق کار "، کارگران " حق بیکاری " میخواستند. آنها می گفتند تا زمانی که دولت برای ما کار تهیه نکرده است، می باید بما " حق بیکاری " بدهد. باید پولی بدهد تا از گرسنگی نمیریم و بتوانیم بعداً دوباره کار کنیم. ما باید تا زمانی که کار بدست نیآورده ایم شکم زان و جبه هایمان را سیر نگه داریم. کارگران می گفتند که در تمام کشورهای اروپائی و پیشرفته کارگران " حق بیکاری " میگیرند و در کشورهای سوسیالیستی زندگی شان از طرف دولت ( کارگری ) تأمین است. ما هم در اینجا " حق بیکاری " می خواهیم. دولت باید با تأسیس " صندوق بیمه بیکاری " هر ماهه حداقل هزینه زندگی کارگران و خانواده شان را به آنها بپردازد. کارگران دز تبریز، آبادان، تهران، اصفهان و در شهرهای شمال و... همگنی خواهند " حق بیکاری " بوندند. کارگران پیشرو بیکار در مدد بودند که با تشکیل سندیکا ی کارگران پروژه ای ( فملی ) و یا کانون کارگران بیکار کارخانه ای، خواست خود را به دولت بقیولانند. آنها برای کارگران توضیح میدادند که " حق بیکاری " حق آنهاست. صدقه سرمایه داران نیست، حق بیکاری



چیزی جز قسمت کوچکی از دستمزده واقعی کارگران نیست که سالها به وسیله سرمایه داران به پیمانه شده است. سرمایه داران، کارگران را استثمار کرده و هنوز هم استثمار میکنند، پس می باید در ران بیکاری آنها را تأمین نمایند. مگر بیکاری را همین سرمایه داران با سودپرستی هایشان به وجودنیاورده اند؟ مگر طبقه کارگر توسط سرمایه داران دائماً استثمار نمیشوند؟ کارگران آگاه معتقد بودند با تشکل کارگران در سندیکاها و کانون بیکاران و ارائه طرح " حق بیکاری " و فشار به دولت برای پذیرفتن این طرح، موفق میشوند. ( \* )

( \* ) - روز شنبه ۱۹ اسفند کارگران بیکار در محل کارگران بیکار " یا سازمان کارگران سابق جمع شدند و توسط " شورای موسس کارگران " که در ۱۷ اسفند تشکیل شده بود سه حواست زیر را مطرح کردند:

دولت موقت که از تأمین کار برای کارگران بیکار عاجز مانده است، در مقابل طرح " حق بیکاری " کارگران به شدت مقاومت میوزد و بالاخره تحت فشار کارگران بیکار، برای خالی نبودن عریضه در روز ۵ شنبه ۵۷/۱۲/۲۴، طرح " وام بیکاری " را اعلام میکند. طبق طرح " وام بیکاری " دولت: (\*\*\*)

طرح وام بیکاری دولت

۱- وام بیکاری با معرفی آخرین کارفرما پرداخت میشود.  
۲- این وام به کسانی که بدون میل و اراده خود بیکار شده اند، پرداخت میشود.

۳- پرداخت این وام ۱۰ روز پس از ابلاغ به وزارت کار شروع میشود.  
۴- این وام به کسانی که ۲۶ سال کمتر و ۶۰ سال بیشتر نداشته باشند، پرداخت میشود.  
۵- شرط استفاده از وام، پرداخت حق بیمه لااقل یکسال متوالی و پیوسته از آغاز سال ۱۳۵۴ است.  
۶- کارگران ساختمانی که یکسال پیوسته یا منقطع در کارگاه ساختمانی مورد قبول وزارت کار کار کرده اند، از شرط پرداخت حق بیمه معافند.  
۷- میزان وام پرداختی این صندوق به کارگران مجرد ۲۵۰ تومان و متأهل ۹۰۰ تومان است.  
۸- برای هرفرزند کارگر بیکار ۵۰ تومان در نظر گرفته میشود.  
۹- در هر خانواده که زن وشوهر هر دو واجد شرایط باشند، تنها به یک نفر وام پرداخت میشود و اگر در یک خانواده زن یا شوهر کار کند، وام به کارگر بیکار پرداخت نخواهد شد.  
۱۰- پرداخت وام بیکاری از ماه اول به بعد موقوف به شرکت کارگر در دوره های آموزشی بسالاً بردن تخصص و بالا بردن مهارت است.

۱۱- دریافت کنندگان وام پس از اشتغال دوباره به کار ۱۰٪ از کل حقوق و مزایای خود را باید به صندوق پرداخت کنند.  
۱۲- وزارت کار مکلف است پس از ۶ ماه از تاریخ تصویب، پیشنهاد لازم را برای ایجاد صندوق بیمه بیکاری تدوین کند.  
چرا وزیر کار از طرح وام بیکاری دفاع میکند؟

کارگران طی مذاکرات خود با وزیر کار و معاونین وی و طی گردهم آیی هایشان بشدت به این طرح اعتراض کردند. کارگران بطور اصولی بر روی " حق بیکاری " با فشاری نمودند، ( تحصن در وزارت کار ) و احقاق حق بیکاری را به عنوان حق مسلم خود دانسته، طرح " وام بیکاری " را توطئه ای از جانب رژیم دانستند بد نیست برای فهم میزان اهمیت " حق بیکاری " برای رژیم به سخنان داریوش فروهر در اول فروردین ۵۸ در تحصن کارگران بیکار توجه کنیم. وی در این روز گفت:

"... توضیح دادم که این طرح به پیشنهاد وزارت کار و تصویب هیئت وزیران و تأکید شورای انقلاب بوده است و من اکنون توانائی دگرگونی آنرا بالشمخه ندارم..."

وی در مورد پیشنهاد ۱۲ ماده ای کارگران بیکار که در آن بر روی " حق بیکاری " با فشاری شده بود، گفت:

" شرف کارگری به کارگر اجازه نمیدهد که بلا عوض ( ! ) پول بگیرد، و میخواهم که این طرح وام بیکاری دقیقاً به صورت یک وام باقی بماند..."

به این ترتیب روشن میشود که زمانی که کارگران در حصن ها و اعتراضات خود حق بیکاری میخواستند، وزارت کار و هیئت وزیران و شورای انقلاب با عجله طرح " وام بیکاری " کذابی را تصویب نموده اند،

۱- ایجاد کار برای بیکاران  
۲- تشکیل صندوق بیمه بیکاری  
۳- لغو قانون ضد کارگری کار ( \* \* \* )  
۴- میدانید که رژیم منفور پهلوی نیز درصد گسترش صندوق وام بیکاری بود.



لیکن گری آقای وزیر حتما میخواد که این طرح به صورت "وام" باقی بماند و صحبتی از حق بیکاری نشود؟ زیسرا:

۱- "حق بیکاری" به کارگران ناآگاه می - همانند که کل طبقه کارگر توسط طبقه سرمایه دار استثمار میشود، بنابراین زمانیکه عده ای از کارگران بیکار میشوند، دولت نماینده سرمایه داران با قسمتی کوچکی از درآمد سرمایه داران را کسبه از استثمار کارگران حاصل شده است، بصورت حق بیکاری به کارگران پرداخت نماید. آقای وزیر کار میگوید: ثلث کارگری به کارگر اجازه نمیده که بلاعوض ( ) بول بگیرد، مسلما "شرف" وزیر دولت سرمایه داری به او حکم میکند که از منافع طبقه خود حمایت کند.

ظاهرا طرح وام خود را به طرح وام اصلاحی کارگران نزدیک کرد، اما این فقط ظاهر قضیه بود. نتایج دهی دولت بعد از گذشت سه ماه به خوبی صحبت این ادعا را ثابت میکند.

به علت تبلیغات سوء دولت و علیی که بعدا به آن اشاره خواهیم کرد، کارگران دست از طرح "حق بیکاری" برداشتند و به این ترتیب به دولت این فرصت را دادند که حداقل تا مدتی به هدفهای خود دست یابد.

● چرا کارگران بجای طرح "حق بیکاری" "وام بیکاری" را مطرح نمودند؟

به عنوان دلیل گفته میشد: از یک طرف نبودن شکل و آگاهی کارگران و از طرف دیگر خراب بودن وضع اقتصادی رژیم! ولی ببینیم! آیا این دلایل درست بوده اند؟

در مورد وضع اقتصادی دولت، همانطور که خود دولتیان گفته اند، "فقیر نیستیم" ( ) دو ماه پیش هم فقیر نبودیم، کوششهایی هم که برای دریافت پول از مردم به عناوین مختلف (خبریه و...) صورت میگیرد برای جلوگیری از تورم بود.

بهر صورت تفاوت چندانی میان "حق بیکاری" که به کارگران تعلق میگرفت و "وام بیکاری" (دولست در صورت درست پیاده شدن) وجود ندارد. لیکن دولت با علم کردن طرح "وام" میگوید تا از "پایه" تشکیلات کارگران را مورد حمله قرار دهد و بالتبع به توده های عظیمی از کارگران هیچ وامی پرداخت نشود.

● چرا بسیاری از کارگران دنبال طرح دولت می روند؟

لیکن آگاهی و شکل کارگران پایین بوده، چه بسا در صورت مطرح کردن "حق بیکاری" ورد کسب "وام بیکاری"، کارگران پیشرو از توده های کارگر بیکار جدا افتاده و هر یک براه خود میرفتند. در این زمینه ما عقیده داشتیم که می بایست "حق بیکاری" را به عنوان طرح اصولی و بلاواسطه در سر قرار داد ولی وام بیکاری را رد نکرده (یعنی کارگران را از گرفتن وام بیکاری منع نکرده)، اقدام به افشاکاری در اطراف آن نمود. به کارگران توضیح داد که طرح وام بیکاری دولت هیچ وقت مدع اولیه آنان را برآورده نخواهد ساخت. (هنا نظورکه ساخته است) شکهای میلیونها کارگر را گرسنه نگه میدارد و بقیه را که به این طرح امیدوارند سردا - نده، و چیزی عایدشان نمی شود. دربارۀ طرح "حق بیکاری" نمی بایست تبلیغ و ترویج و سازماندهی صورت گیرد و بر ضرورت اخذ "حق بیکاری" بعنوان حق طبیعی و مسلم کارگران تاکید و پافشاری گردد.

در حال حاضر طرح "وام بیکاری" اصلاحی، به صورت چانه زدنهای بی نتیجه با دولت در آمده است و آینه های می ندارد.

چرا کارگران طرح "وام بیکاری" را بجای طرح "حق بیکاری" پذیرفتند؟

از یک طرف کار آگاهانه وسیع در میان کارگران صورت نگرفت و کارگران مبارز از "خانه کارگر" و بقیه امکانات خود نتوانستند به نحو مطلوبی برای تبلیغ "حق بیکاری" استفاده کنند، چرا که خود - شان آنرا به مدتی بعج (۴ ماه بعد) موکول کرده بودند و عملا هم کاری در این زمینه صورت نگرفت.

از طرف دیگر تشکیلات دهی کارگران مدت زیادی به عقب افتاده است و کارگران در تهران (و درسیا - ری از شهرستانها) هنوز در ابتدای متشکل کردن خود می باشند. از آنجایی که در اطراف مضرات طرح "وام بیکاری" افشاکاری نشده است، کارگران بجای پیگیری طرح "حق بیکاری" به گرفتن "وام بیکاری" امید وار شده اند و از همین لحاظ پایه تشکیلات

( ) - حسن نزیه مدیر عامل و رئیس هیئت مدیره شرکت ملی نفت ایران در روزنامه آیدگان ۷ خرداد میگوید:

"امروز، روزانه ۶ میلیون دلار از درآمد عاید ایران میشود. فراموش نکنیم در گذشته قسمت عمده این پول شاید ۹۰ درصد آن خرج خرید اسلحه میشد و... و... "گفته بروید حسابهاش را ببینید در بانک آمریکایی ماها تان و بانک مرکزی الان ما ۱۲ میلیارد دلار ذخیره ارزی داریم. ما فقیر نیستیم!"

● کدام طرح به نفع کارگران است؟ "وام بیکاری" یا "حق بیکاری"؟

● کارگر به فکر سیر کردن شکم و وزیر به فکر بزرگ کردن هرچه بیشتر جیب سرمایه داران!

● حل اساسی مسئله بیکاری فقط در صورت استقرار جمهوری دمکراتیک خلق به رهبری، طبقه کارگر متصور است.

به همین جهت "حق بیکاری" مطرح شده از طرف کارگران را پول "بلاعوض" قلمداد میکند. لیکن کارگران میدانند که "حق بیکاری" چیزی جز قسمت کوچکی از درآمد حاصل از استثمار خود آنان نیست. این حق آنهاست.

۲- آقای وزیر کار میگوید: "میخواهم که این طرح صندوق وام بیکاری دقیقاً ( ) به صورت وام باقی بماند" زیرا وزیر دولت سرمایه داری قصد دارد طبقه کارگر را تحمیل کند. به کارگران بگوید که وام بیکاری صدقه ما به شماست، حق شما نیست، بلکه ما لطف کرده به شما وام میدهم. شما هیچگونه حقی ندارید و باید این پول را برگردانید!

۳- رژیم با طرح "وام بیکاری" قصد داشت تشکیلات کارگران بیکار را بهم بزند و تا حدودی هم موفق شد. رژیم از طریق تشکیلات دولتی اقدام به پرداخت وام به کارگران نمود. روشن است که در این حالت کارگران به صورت منفرد، در اینجا یا آنجا با دولت سروکار داشتند. طرح وام بیکاری به طریقی است که با سابقه ترین و معمولاً پیشروترین کارگران از این طرح برخوردار میشوند، بنابراین از کل کارگران بیکار جدا شده و به شکل خود نمی بردازند. در این صورت کارگران در یک حالت بسی - تشکیلاتی باقی میمانند و قادر نیستند حتی همان خواسته های ابتدائی خود را از دولت طلب نمایند. تا بحال هم کارگران بیکار از تشکیلات مناسبی برخوردار نبوده اند.

۴- رژیم با طرح "وام بیکاری" این امکان را یافته است که به توده های عظیمی از طبقه کارگر هیچگونه وامی پرداخت ننماید. بعد از گذشت سه ماه، از حداقل ۳ میلیون کارگر بیکار فقط به ۶۰ هزار کارگروام پرداخت شده است! (آنها ۷۵۰ تومان برای کارگر بیکار، ۱۵۰ تومان برای زن و ۵۰ تومان برای فرزند) یعنی به دو میلیون و نصد و چهل هزار ( ۲/۹۴۰/۰۰۰ ) کارگر بیکار و گرسنه (حداقل) هیچگونه پولی نرسیده است!

بعد از تصویب طرح وام بیکاری، رژیم با آه و ناله به پرداخت آن اقدام نمود. کارگران بر علیه این طرح اقدام به راهپیمایی و تحصن نمودند و از جمله روز ۲۱ فروردین بود که در دادگستری تحصن نمودند. در این روز کارگران طرح "اصلاحی" خود را به دولت عرضه کردند. بر اساس طرح اصلاحی کارگران پروژه ای، میزان وام (و نه حق) به ۹۰۰ تومان افزایش می یافت. برای زن ۲۰۰ تومان و برای هر فرزند ۹۰ تومان در نظر گرفته شده بود. محدودیت سنی و محدودیت داشتن دفترچه بیمه بر طرف شده بود و... دولت موقت "در مقابل این طرح هم مقاومت نمود!" و با بهانه اینکه این طرح ۳۷٪ به مخارج دولتی اضافه میکند آن قبول آن شانه خالی کرد. (در صورت تیکه همه میدانیم وضع مالی دولت بر طبق گفته خود دولت خراب بوده و نه حالا خراب است.) دولت بر اثر فشار بیشتر کارگران اصلاحات جزئی در طرح خود وارد نمود ولیکن میزان وام را افزایش نداد. دولت

متزلزل و لرزان است. کارگران به شکل در سندیکا - ها و کانونهای بیکاران "دل" نمیدهند. در عین حال طرح "حق بیکاری" میتواند و میتواند پشتیبانی کارگران شغل را نیز بخود جلب نماید. در حالیکه طرح "وام بیکاری" فاقد این امکان است.

و همین طور اینها بودند علیی که بر طبق آن آقای فروهر "دقیقا" میخواست که این طرح به صورت "وام" باقی بماند و "حق بیکاری" مطرح نگردد.

● طرح انحرافی دیگر: "صندوق تعاون بیکاران"

در این میان بر اثر نبودن یک طرح اصولی در میان کارگران که بتواند آنها را به هم نزدیک کرده، متشکل نماید، طرحهای انحرافی دیگری نیز بروز نمود. بروز این طرحها به تشمت بیشتر کارگران دان من زد و باعث بحبهاش روشنگرانه و بی مورد فراوانی گردید. کارگران را به جان هم انداخت و آنها را از مسیر اصلی خود منحرف نمود. یکی از مهمترین طرحهای انحرافی، طرح "صندوق تعاون بیکاران" بود. بد نیست اندکی نیز به این طرح بپردازیم. در اعلامیه ای که از طرف "بخشی از کارگران بیکار" منتشر شده، آمده است:

"نبره چند ماهه ما کارگران بیکار نشان داد که مقامات مسئول دولت انقلابی موقت با بهانه های مختلف از تحقق خواستهای منطقی و بحق ما سر باز می زند... سیل اتهامات ضد انقلابی، دروغگو، بی دین، خراکار بظرف ما سرازیر شد و حتی مورد هجوم قرار گرفته تهدید به مرگ شده و متاسفانه هیچگونه حمایتی از طرف مقامات مسئول انجام نگرفته. امروز ما تصمیم داریم که سرنوشت خانواده های بی پناه و گرسنه خویش را خودمان در دستگیریم و از همه آزادیخواهان و مقامات مسئول دولتی تقاضا داریم که در حد توان و امکان، ما را کمک کنند و از راهنماییهای حقوقی و معنوی دریغ نورزند. هموطنان عزیز، ما با تشکیل کمیته کاربایی و صندوق تعاون بیکاران تلاش خود را آغاز میکنیم و از وزارت کار و کمیسیون حقوق بشر و کانون وکلا دعوت میکنیم که با نظارت و راهنمایی ما را در حل مشکلات باری کنند."

انحرافی بودن این طرح خیلی زود در میان کارگران روشن شد. این طرح چیزی جز الطاف سرمایه داران (دولت و مقامات مسئول!) را به کارگران نوید نمیدهد. این طرح ذهن کارگران را از مبارزه برای خواستهای اساسی خود منحرف میکند و کارگران را بجان یکدیگر میانداخت. این "طرح" از یک طرف معتقد بود که "دولت و مقامات مسئول" به نفع کارگران هیچ کاری انجام ندادند و در عوض آنها را تهدید کرده، به آنها ضد انقلابی گفته اند، ولی از طرف دیگر، باز از همان "مقامات مسئول" می خواست که به این صندوق کمک نمایند! این "طرح"

آقای فروهر میگوید: "شرف کارگر به او اجازه گرفتن پول را نمیدهد" باید بایشان گفت که:

"حق بیکاری" صدقه نیست، حق طبیعی کارگر است

از آزادیخواهان میخواد که به این صندوق پول بریزند! و در واقع وظیفه دولت را انجام دهند! آیا ممکن بود بهتر از این به دولت سرمایه داران کمک نمود؟ این "طرح" از طرح پیشنهادی دولت هم پائین تر است. آیا نویسندگان طرح، عقب مانده و خوشحال نبوده اند؟

بهر ترتیب از نظر ما، تا وقتیکه یک طرح اصولی و اساسی در میان کارگران بیکار ریشه ندوانده است، امکان بروز طرحهای انحرافی دیگر هست. "طرحهای" که فقط موجب هز رفتن نیروهای کارگران پیشرو میشود و در نهایت چیزی عاید نمی نماید. از نظر ما این طرح اصولی "حق بیکاری" است.

ما از تمام کارگران پیشرو و نیروهای آگاه دعوت میکنیم که حول اشیا تحت عنوان طرح "حق بیکاری" و طرد و نفی طرح کذابی "وام بیکاری" دولت، اقدام به افشاکاری نمایند. ادامه دارد...

بودند بر روی سرکارگران، تا جیبهای کارفرما را از زحمت و رنج کارگران بربکنند .  
تسلیم کارفرما

هیئت رئیسه کارخانه که از این برخورد کارگران هاج و واج مانده بودند ، با تعجب به نمایندگان کارگران نگاه میکردند ، حتی یکی از آنها می پرسد : آیا در کارخانه چنین آدمهایی هم پیدا میشوند و ما خبر نداریم؟! و میگوید : شامتا حال کجا بودید که ما خبر نداریم؟! البته گفته های او دو جنبه دارد . یکی برای اینکه خودش را به نمایندگان نزدیک کند و از این طریق بتواند آنها را رام کند . غافل از اینکه نمایندگان سوگند خورده اند که در برابر منافع کارگران و همکاران خود هرگز در مقابل کارفرما تسلیم نشوند . و تساهل جان در بدن دارند از حقوق پایمال شده آنها دفاع کنند . از طرف دیگر جو برای هیئت رئیسه غیرمنتظره بود که . ران چند رتی در برابر آنها نشان دهند ، نه فکر میکنند که بتوانند از طریق شارلاتان بازی ( خاص چیره خواران سرمایه داران ) ، بتوانند نمایندگان را رام و دست بسر کنند . ولی نمایندگان چنان برندگی و قاطعیتی از خود نشان دادند که کارفرما و هیئت رئیسه مجبور شدند ما نه ۴۵۰ هزار تومان بابت اضافه دستمزد بدهند ، همچنین کارفرما را مجبور کردند که قبول کند شورای کارگران ایجاد شده و بر امور مالی تولید و توزیع نظارت نماید .

● نتایج ۸ ماه مبارزه

بطور خلاصه کارگران در این ۸ ماه توانستند در اثر اتحاد و یکپارچگی ، امتیازات زیر را از کارفرما که سابقان درازی کارگران را استثمار میکنند و مانند زالو خون کارگران را می مکند ، بگیرند :  
در مهر ماه سال ۵۷ :  
گرفتن ۱۲ درصد اضافه دستمزد  
۴۰۰ تومان حق مسکن و ۲۵۰ تومان حق خواروبار برای متاهلین ( زن و بچه دارها ) و ۲۵۰ تومان حق مسکن و ۹۰ تومان حق خواروبار برای مجردها .  
امزایش سود ویژه از ۱۰ روز به ۱۵ روز در هر ششماه .  
شماره .  
اداری رئیس کارخانه ، اخراج روسای انتظامات ، امور اخراج و نقلیه و کارگزینی .  
احلال سندیکای قلابی سابق و ایجاد سندیکای واقعی .  
افزایش مرخصی از ۱۲ روز به ۲۰ روز در سال .  
افزایش عیدی از ۱۰ روز به ۴۰ روز در سال .  
افزایش سهمیه روغن نباتی از ۵ کیلو به ۱۰ کیلو دادن کفش امنی و معمولی به تمام کارگران کسه تولا فقط به تعداد خیلی کمی در حدود ۴۰ نفر میدادند .  
بهبود وضع غذا از لحاظ کمیت و کیفیت و استفاده یکسان از اسلطف سرویس برای کارگران و کارمندان .  
گرفتن یک دستگاه آمبولانس و یک دستگاه آتوشو س جهت سرویس کارگران .  
در اردیبهشت ماه سال ۵۸ :  
گرفتن ۴۵۰ هزار تومان بابت اضافه دستمزد سیال ۵۸ که اعضاء سندیکا آنرا بطریق پیرسین کارگران تقسیم کردند :  
به کسانی که بالای ۵۵۰۰ تومان حقوق میگردند نفری ۴۵۰ تومان یعنی روزی ۱۵ تومان اضافه کردند .  
وکسانی که زیر ۵۵۰۰ تومان حقوق میگردند ، طبق ضوابط معینسی تقسیم نکرده اند تقریبا به هرفراز روزی ۴۰ تومان تا روزی ۴۵ تومان اضافه شد .  
نظریه حداقل حقوق در این کارخانه به همکاران کارگران به روزی ۶۰ تومان رسیده است .

● کارگران . ما ساکت نمی مانیم

کارگران مارکارین میگویند :  
آنا فکر میکنید که ما کارگران دیگر ساکت خواهیم ماند ؟ نه ! در جواب میگویم که ما به مبارزات بسی امان خود ادامه خواهیم داد ، چون اولاً تازه برای ما ثابت شده که چرا کارفرما تا بحال این مبالغی را که ما در عرص این هشت ماه مبارزه گرفتیم بمانده ، فکر میکنید این مبلغ کم است . ماهانه یک میلیون و سید هزار تومان یعنی ۱/۳۰۰/۰۰۰ تومان . میبینیم که کارفرما چه آسان حق ما میخورد . حالا که آنرا گرفتیم ، او هم به ایرو نیاورد . چون این مبلغ قطره ای از همه حقوقی است که بوسیله کارفرما از ما بسم غارت برده میشود . دوما ، ما همچنان با دیگر برادران کارگرمان به مبارزه بر علیه تمامی سرمایه داران ادامه میدهیم تا در حالیکه جزئی از حقوق پایمال شده مان را بگیریم ، در نهایت نظام سرمایه داری را نابود کنیم . چرا که کارگران آزاد نمی شوند ، مگر روزی که نظام سرمایه داری را نابود کنند و دیگر سرمایه داری وجود نداشته باشد . گسترده تر ساد جنبش کارگری ایران

آقای کارفرما از قبل بک نامبند وزارت کار و یک روحانی را با خود همدست کرده تا بدین وسیله موضوع را به نفع خود تغییر بدهد .  
کارفرما بر روحانی مزبور گفته بود تمام اعضاء سندیکا کمونیست هستند و کمونیست ها در کار اینها دست دارند . این دروغ بشماره را کارفرما گفته بود تا با استفاده از جو ضد کمونیستی که روحانیت به وجود آورده است بقول معروف ، گربه را دم جلوه بکشد ، در حالیکه حتی یک کارگر کمونیست هم در سندیکا نیست . در این موقع آقای روحانی شروع به نصیحت کارگر-ان میکند ، که یکی از اعضاء سندیکا میگوید :  
ما اینجا نیامده ایم . که برای ما معظف کنید و یا سخنرانی گوش کنیم . اگر شما برای ادعای حقوق ما به اینجا آمده اید نماینده از توی اطاق کارفرما سر در بیاورید . بلکه می بایست می آمدید کارخانه به اتفاق ما به اینجا می آمدید .  
خلاصه بعد از گفتگو با آقای روحانی ، او سکوت را بر صحبت کردن ترجیح میدهد . و به این ترتیب حرف حق کار خودش را میکند .  
نماینده وزارت کار هم که مانند روحانی فوق الذکر از اطاق آقای کارفرما سر در می آورد ، وقتی خودش را معرفی میکند ، یکی از اعضاء سندیکا میگوید : شما همان نبودید که در زمان شاه خائن می خواستی مرا به ساواک تحویل دهی ، بادت رفته که مرا نهدند کردی که اگر فلان و بهمان کنی ساواک تحویل میدهیم . با این افشگری ، اعضاء سندیکا ، این آقای نماینده وزارت کار را هم سر جایش می نشانند و بسه او اجازه صحبت و دخالت در کارشان را نمی دهند! واقعا که کارگران چه دردسری برای دولتی که میخواهد امهره های گذشته استفاده کند ایجاد نمیکنند! - در اینجا اعضاء سندیکا میمانند و کارفرما و هیئت رئیسه شرکت که همواره برای کارفرما دلایلی کرده اند ، و چاقی

نامه کارگران حق طلب امروز آئیک سازی سپیده

ریاست محترم اداره کار استان بوشهر  
ما کارگران موزاشیک سازی سپیده ام از بلوک - زنی و شبکه زنی و دست ریزی که برای منوچهر نجابت ما کارگاه کار میکنیم امروز ساعت ۱۰ مورخه ۵۸/۳/۵ با ابلاغ میکند که فردا یعنی ۵۸/۳/۶ کارگاه را تعطیل کنید البته بغیر از قسمت بلوک زنی که فقط ۲ کارگر دارد و منفعت بیشتر . در صورتیکه قسمت عمده کارگاه که شامل استخراج موزاشیک می باشد و ۱۰ کارگر دارد دستور تعطیل آنرا میدهید . ما کارگران نسبت به این عمل اعتراض میکنیم میگویند چون مصالح و ما محتاج کارگاه موجود نیست و سعی توانم فراهم کنم کارگاه را به غیر از بلوک زنی تعطیل میکنم . در صورتیکه از نظر ما کارگران که در متن کار هستیم خوب میدانیم که هم اکنون هم از نظر سیمان و ماسه تا مین است و هم فروش موزاشیک خوب است و هم بازده کار زیاد است . نکته ای که باید گفت شود اینست که ایشان یعنی آقای نجابت ضمن اینکه دبیر دبیرستان است و با یک پروانه کار سه بخش کار را در یک محیط ایجاد کرده است . باری مدت ده دوازده سال است که برای ایشان کار میکنیم و به وسیله همین نیروها هست که در مدت این چند سال اخیر هدر رفته ایشان صاحب مال و منال و اتموبیل آخرین سیستم شده اند . بایک کلمه خیلی ساده میگویند کارگاه را تعطیل میکنم . ما کارگران خود میتوانیم بدون وجود ایشان از هر لحاظ کارگاه را بچرخانیم که کار تعطیل نشود . همانطور که ریاست محترم در جریان هستند که امروز کشور ما یک کشور انقلابی است و اوچ بیکاری در آن به سرحد رسیده در این موقعیت اگر ما چند کارگر توسط کارفرما بیکار شویم تکلیف ما چیست ؟ تکلیف زن و فرزندان ما چیست ؟ تکلیف ما به نیاز زندگی ما و کرابه مسکن ما چیست میشود ؟ آیا کدام قانون بشری اجازه میدهد که آقای کارفرما بدون هیچ دلیلی نا نا و زن و بچه های ما را قطع کند ؟ هرچه زودتر بیکار و وضع ما رسدگی و اقدام فرمائید . ضمنا حسین سپهران منشی کارگاه هم در این جریان مدافع منافع کارفرماست و از ایشان هم شکایت داریم .  
کارگران اخراج شده موزاشیک سازی سپیده ( متعلق به منوچهر نجابت )  
گیرندگان رونوشت روزنامه های : پیغام امروز ، آتندنگان ، کار ، بیکار

از کارگران مبارز کارخانه مارگارین بیاموزیم

هشت ماه مبارزه بی امان کارگران :  
کارگران کارخانه مارگارین در همراه سال گذشته برای گرفتن حقوق پایمال شده خود دست از کار کشیدند و خواستهای خود را به کارفرما اعلام کردند بعد از چند روز اعتصاب و مقاومت در مقابل توطئه های کارفرما ، بعضی از خواسته های خود را بزور از کارفرما گرفتند . این خواسته ها عبارت بود از :  
۶ الی ۱۲ درصد اضافه دستمزد ، که سرای هر کارگر ۲۷۰ تومان می شد .  
۴۰۰ تومان حق مسکن و ۱۵۰ تومان حق حواری و بار سرای کارگران منازل و ۲۵۰ تومان حق مسکن و ۹۰ تومان حق خواروبار برای مجردین .  
سود ویژه از ۱۰ روز به ۱۵ روز در هر شش ماه .  
البته خواسته های دیگری بود که از طرف کارفرما با مخالفت شدید روبرو شد و کارفرما توانست بنحوی کارگران را دست بسر کند . ولی کارگران مبارز کارخانه مارگارین بدلیل آگاهی که داشتند ، مجددا در ۱۷ بهمن ماه دست از کار کشیدند و در آن نه تنها خواسته های را که در اعتصاب قبلی از طرف کارفرما به آنها توجه نشده بود مطرح کردند ، بلکه خواستار اخراج فوری رئیس مزدور کارخانه ، " مهندس پورکاسی " که فدری خودخواه ، مقام پرست و ضد کارگر بود ، شدند . کارگر-ان همچنین خواستار انحلال سندیکا ی فرمایشی و ایجاد سندیکای واقعی بدست خود کارگران شدند . کارگران بعد از سه روز مبارزه موفق شدند رئیس کارخانه ، روسای کارگزینی ، انتظامات ، نقلیه و امور اداری که در طول خدمت خود همواره سعی کرده بودند تا آنجا که ممکن است کارگر کشتی نمایند ، اخراج کنند . همینطور ، سندیکای وابسته را منحل کرده و ۸ نفر را بعنوان اعضاء سندیکای موقت انتخاب کردند . تا در مقابل کارفرما از حقوق آنها دفاع نمایند .  
اعضای سندیکای موقت که نمایندگان واقعی کارگر-ان بودند و از پشتیبانی یکپارچه کارگران برخوردار بودند . در طول ۲ ماه مبارزه توانستند امتیازات زیر را بنفع کارگران بدست آورند :  
مرخصی سالیانه را از ۱۲ روز به ۲۰ روز رسانند .  
مجموع ساعات کار را از ۵۰/۵ ساعت به ۴۷/۵ ساعت تقلیل دادند ، بطوریکه روزهای پنج شنبه را خود اعضاء سندیکا بدون موافقت کارفرما تعطیل اعلام کردند .  
عیدی و پاداش از ۱۰ روز به ۴۰ روز در سال افزایش دادند .  
سود ویژه از ۱۰ روز به ۱۵ روز به ۲۰ روز رسانند .  
میزان روغن نباتی را که هر سال ۵ کیلو به کارگران میدادند به ۱۰ کیلو رسانیدند .  
کارگران زحمتکش کارخانه مارگارین بعد از قیام بهمن ماه و سرنگونی رژیم سلطنتی ، همچنان به مبارزه ات خود ادامه دادند . در فروردین و اردیبهشت ، کارگران و سندیکای واقعی آنها ، توانستند ماهانه ۴۰۰ الی ۵۰۰ تومان به عنوان اضافه تولید دریافت دارند .

● کارگران در مقابل سرمایه دار ، وزارت کار و یک روحانی

نمایندگان کارگران برای افزایش حقوق که هر سال بعد از عید انجام میگردد ، با کارفرما وارد مذاکره شدند ولی کارفرما همواره آنها را به وزارت کار پاس میداد ، نمایندگان وقتی به وزارت کار مراجعه نمودند وزارت کار ( آقای صدوقی معاون آقای فروهر ) به آنها گفت که شما خواسته های خود را نوشته و بمانده بدهید ما خواسته های شما را در نوبت میگردانیم و به آنها رسیده میگوئیم ، اگر منطقی بود جواب میدهیم . ولی همانطور که انتظار میرفت - چون از وزارت کار سرمایه داران و از وزیر کار سرمایه داران ، جز این انتظار نیست - بعد از مهلت تعیین شده به نمایندگان جوابی داده نشد . این امر باعث شد که اعضاء سندیکا مجددا به وزارت کار مراجعه کنند ولی سردواندن کارگران به وسیله وزارت کار همچنان ادامه داشت تا اینکه نمایندگان متوجه شدند که دیگر نباید امید به وزارت کار داشته باشند ، لذا خود قاطعانه وارد عمل شدند و کارفرما را تهدید کردند که چنانچه دستمزد کارگران را افزایش ندهند ، آنها مانع توزیع و فروش روغن از طرف کارفرما شده و خود آنرا بدست خواهند گرفت . برخورد قاطع کارگران موثر افتاد و کارفرما مجبور شد از سندیکا دعوت نماید که به اداره مرکزی رفته و سا کارفرما " لاهوردی ها " مذاکره کنند . اعضاء سندیکا وقتی که به اداره مرکزی میروند متوجه میشوند که

ادامه از صفحه اول سالروز شهادت...  
 سالهای آغازین بحران، بدست رژیم جنایتکار پهلوی  
 بخون کشیده شد.

کارگران کوره پزخانه که تحت غیرانسانی ترین شرای  
 سیط و با دستمزدی نازل برای سرمایه داران عسرق  
 می ریختند، و بحران اقتصادی آنان را در ورطه هلاکت  
 افکنده بود، در تاریخ ۲۳ خرداد ماه ۱۳۳۸، برای  
 سومین بار دست از کار کشیدند و برای مقابله با تورم  
 و محنتناکی که زندگی پر شوخ و خانواده هایشان را تهدید  
 مید کرد، یکپارچه و متحد خواستار ۳۰٪ اضافه  
 دستمزد شدند. رژیم کوتاه که هنری جز سرکوب و کشتار  
 نداشت، گزیه های خونخوارش، ساواک، پلیس و ژاندارم  
 را روانه میدان کرد.

گلوله باران کارگران قهرمان کوره پزخانه ها که به  
 شهادت بیش از ۵۰ تن، دستگیری دهها نفر از کار  
 کارگران مبارز انجامید، فاجعه عظیمی بود که خلق را  
 در ماتم نشاند. یادشان گرامی و راهشان پایدار باد!  
 اکنون بیست سال از آن فاجعه خونبار می گذرد.  
 در میان کارگرانی که در حال حاضر در کوره پزخانه ها  
 کاری کنند، اندکند کسانی که خود شاهد آن جنایت  
 فجیع بوده باشند. اصولا کسی که توانسته باشد، بیست  
 سال در این شرایط جان فرسای کار دوام بیاورد، انگشت  
 شمار است. با مقایسه شرایط زندگی و کار کارگران  
 کوره پزخانه ها در بیست سال قبل و هم امروز، خواهیم  
 دید که بهیچوجه از رنج و حرمان کارگران کاسته نشده  
 است. لیکن طی این مدت طبقه کارگر تجارب گرانبها-  
 ثی بویژه در طی مبارزات یکساله اخیر انداخته است  
 که بوی امکان می دهد با عزمی راسخ و دورنمایی روشن در  
 راه نابودی نظام ظالمانه سرمایه داری و برپائشی  
 سوسیالیسم، این یگانه راه رهایی زحمتکشان، کام بردار.

مادرشان همراهشان نیستند از همان اول در روستا  
 برای مدت معلومی خریداری می شوند و از آنها تا حد  
 امکان کاری کشند. بعضی از کارگران پیش از سی  
 سال است که بطور مداوم همه ساله به تهران به سسر  
 کسوره ها می آیند و بقول خودشان مزد ۲۰ ریال نیز  
 یادشان است ولی اکنون اگر کار نکنند، شکم خود را نمی  
 توانند سیر نمایند. فرزندان روستایی را در اوایل بهار  
 از مدارس بیرون آورده به تهران می آورند و در اوایل  
 پاییز با چهره هایی زرد و رنگ پریده به روستا برمی-  
 گردانند.

**ب-گزارشی از اعتصاب کارگران کوره پزخانه های  
 خاتون آباد، قرچک:**

از روز شنبه ۵۸/۲/۸ کارگران کوره پزخانه های  
 خاتون آباد بمنظور اضافه دستمزد و بهبود شرای سیط  
 محیط کار دست به اعتصاب عمومی زدند و به دنبال آن  
 عده ای از کارگران از کوره های مختلف براه افتاده و از  
 کارگران دیگر خواستند از کار دست بکشند و همچنین از  
 خارج کردن آجر از کوره توسط کمربندیها جلوگیری  
 نمودند و در غروب همانروز در خیابان های اطراف



کارگران کوره پزخانه برای سرعده کردن کار، در کوره های خود، در خاتون آباد - مازندران

گروه (جاده خراب) به تظاهرات پرداختند. پس از  
 شروع تظاهرات افراد کمیته به محل آمده و شروع به تیر  
 اندازی هوایی می نمایند که کارگران با سنگ و چوب  
 افراد کمیته را مجبور به عقب نشینی می کنند. در روزهای  
 بعد نماینده امام خمینی از قم می آید و با تفاق چند  
 نفر که ادعا می کردند دانشجوی هستند، برای کارگران  
 سخنرانی می نمایند. شخص مذکور که هیچگونه اطلاعی  
 از اوضاع زندگی کارگران ندارد و خود به این عدم  
 آگاهی اعتراف می کند، پس از اینکه از مشکلات کارگران  
 با خبر می شود از کارگران می خواهد بخاطر آبروی امام  
 و دولت به سرکار بروند، افراد کمیته که ابتدا کارگران  
 را ضد انقلابی خوانده بودند با تعلق زیاد عذرخواهی  
 نموده و می گویند ما از شما کارگران گله داریم که چرا  
 مشکلات خود را با ما در میان نگذاشته، شروع به اعتصاب  
 کرده اید و خلاصه به کارگران می گوید برای خود نمایند  
 انتخاب کنید تا آنها در مورد خواسته های شما صحبت  
 شود و بدین ترتیب در روزهای سه شنبه و چهارشنبه  
 کارگران کم کم اعتصاب خود را می شکنند. لازم به یاد  
 آوری است که افراد کمیته پس از اعتصاب هر روز برای  
 کارگران اجناس ضروری زندگی را آورده و با قیمت متعادل  
 در دسترس آنها قرار می دهند، باین ترتیب با این صلاح  
 سعی می کنند دل کارگران را بدست آورند و باین ترتیب  
 کارگران را از خواست برحق خودشان منصرف سازند  
 غافل از آنکه کارگران آگاه تر از آنند که فریب کلهای  
 (صدقه) آنها را بخورند یکی از کارگران می گفت "ما  
 صدقه از هیچکس نمی خواهیم ما خواستار حق خودمان  
 هستیم چیزی را که ما می خواهیم حاصل زحمت خودمان  
 است" در ضمن روز پنجشنبه گروهی دختر و پسر که خود  
 در دانشجو معرفی می کنند به میان کارگران رفته و به آنها  
 مسائل دینی آموزش می دهند و در ضمن از کارگران می-  
 خواهند که به کار خود ادامه دهند، این عمل روزجمعه  
 نیز تکرار می شود.

در جریان انتخابات نمایندگان شخصی که به تجاوز  
 به حقوق کارگران شهرت دارد از ۱۲ کوره برای خود  
 اعضاء جمع می کند و خود را نماینده ۱۲ کوره می نامد  
 سایر کوره ها هر کدام یک نماینده انتخاب می نمایند ولی

در مجموع در شورای نمایندگان اکثریت با نمایندگان  
 مرتجع می باشد. در روز پنجشنبه ۵۸/۲/۲۰ عده ای  
 دانشجوی دختر و پسر با مقداری دارو بعنوان پزشک  
 به محل این کوره ها آمده و دختران ساعتی به زنان که  
 مشغول جمع کردن آجرها بودند کمک کردند سپس  
 آنها مقدار زیادی فقط قرص مسکن برای تمام درد ها  
 تجویز کردند و همچنین مرتب به آنها اصول دین یاد  
 دادند و از کارگران استوالاتی در مورد اینکه آیا  
 دانشجوی به میان شما می آید یا نه و اینکه مواظب باشید  
 گمراهتان نکنند و... می نمایند.

بدنحال اعتصاب خاتون آباد کارگران کوره پزخانه-  
 های قرچک اعلام باعتصاب نموده شنبه ۵۸/۲/۱۵ و  
 غروب همان روز از هر کوره یک نفر نماینده انتخاب نمودند  
 که تعداد نمایندگان جمعا ۴ نفر شد.

در این ناحیه (قرچک) حدود ۴ تا ۵ هزار  
 کارگر در بیش از ۴ تا ۵۰ کوره کاری می کنند. این کوره  
 ها متعلق به حدود ۴ نفر است. کارگران کوره پزخانه-  
 ها اغلب از ناحیه خراسان و آذربایجان و کرد می باشند.  
 کارگران خواهان ۱۰۰ تومان دستمزد به ازاء هر هزار  
 عدد آجر می باشند و همچنین خواهان دستکش، کفش،  
 و لباس کار و فلاسک یخ برای تابستان و مزایای بیمه از  
 آنجا که کارگران اکثر روستایی و مهاجری می باشند امکان  
 شکستن اعتصاب توسط بعضی از آنها وجود دارد، به  
 همین منظور یک گروه از کارگران که حدودا چهارصد یا  
 پانصد نفر می باشند، سعی می کنند از شکستن اعتصاب  
 توسط این عده جلوگیری نموده و آنها را به ادامه اعتصاب  
 تشویق نمایند. بدنحال اعتصاب یکپارچه کارگران، روز  
 یکشنبه بعد از ظهر که کارفرمایان بمنظور در هم شکستن  
 صفوف متحد و متشکل کارگران در مسجد قرچک جمع  
 می شوند و بر ضد کارگران به توطئه چینی می پردازند،  
 در ضمن از نمایندگان کارگران نیز می خواهند که در  
 جلسه آنان شرکت کنند. کارگران بمنظور کسب اطلاع  
 همگی به مسجد می روند، در آنجا کارفرمایان دوتن از  
 نمایندگان کارگران را ضد انقلابی خوانده و آنها را  
 تهدید به دستگیری از طرف کمیته می نمایند. در اینجا  
 کارگران به حمایت از نمایندگان خود برخاسته و ایستاد  
 را از مسجد فراری می دهند. فردی از آنروز افراد  
 کمیته به تحریک کارفرمایان بکوره پزخانه می آیند و هم-  
 چون چماق کارفرمایان وارد عمل می شوند و کارگران را ضد  
 انقلاب می نامند. کارگری می گفت که ضد انقلاب که نمی  
 آید توی کوره پزخانه ها با این شرایط طاقت فرسا کار  
 کند، او می گفت ضد انقلاب پول داره، ماشین داره،  
 خانه داره، شما می بینید که ما کارگران جز رنج و بدبختی  
 چیزی نداریم. یکی از افراد کمیته می گوید من دستور تیر-  
 اندازی دارم کارگری در جواب او بوقه پیراهن خود را با ز  
 می کند و می گوید: بزین ابرین! این رفتار افراد کمیته بسا  
 شدت عمل کارگران روبرو می شود، کارگران چوب بر می دار-  
 ند و افراد کمیته پا به قرار می گذارند، در این میان  
 کارفرمایان نیز جرات نمی کنند سرکوره ها حاضر شوند.  
 نمایندگان کارگران که برای احقاق حقوق خود به کلیه مراجع  
 قانونی مراجعه مینمودند و با پند و اندرز روبرو می شدند  
 سرانجام تصمیم می گیرند بحضور آیت الله طالقانی بروند،  
 بدنحال آن از ۴ نفر نماینده، ۵ نفر انتخاب شده و سه  
 ملاقات آیت الله طالقانی میروند و خواسته های خود را با  
 ایشان در میان می گذارند. آیت الله طالقانی نماینده-  
 ای از جانب خود تعیین می نمایند که به مسائل رسیدگی  
 کند، سرانجام نماینده آیت الله طالقانی با استناد به  
 مشکلات و معضلات اجتماعی و اقتصادی وعده ۴۰٪ اضافه  
 حقوق (۲۰ تومان بزاء هر هزار آجر) بعلاوه ۳۰۰۰  
 تومان پاداش سالانه و کفش و دستکش و وسائل بهداشت  
 تو را به کارگران می دهد، در ضمن قول می دهد که حقوق دور-  
 ان اعتصاب هم پرداخت شود. از ۵ نماینده ۳ نفر بسا  
 طرح فوق موافقت نمودند و دو نفر دیگر خواهان امتیاز  
 بیشتری بودند ولی سرانجام آن دو نفر نیز طرح فوق را می-  
 پذیرند. بدنحال این توافق شب چهارشنبه نماینده  
 آیت الله طالقانی با بلندگو در کوره ها به کارگران  
 قول می دهد که به خواسته های آنان رسیدگی می شود و از  
 آنها می خواهد که از فردا (صبح پنج شنبه) به سرکار  
 بروند، بدین ترتیب کارگران از صبح پنج شنبه ۵۸/۲/۲۰  
 به سرکار بازمی گردند.

اکتون که حدود یکماه از تهیه این گزارش می گذرد،  
 کارگران مبارز کوره پزخانه ها توانسته اند به یمن اعتصابات  
 وسیع و همگانی خود، میزان دستمزد خود را در ازای تولید  
 هر یک هزار آجر، تا ۱۰۰ - ۲۴ تومان افزایش دهند. ■

نوشته ای که در زیر قسمت هایی از آنها برایتان نقل  
 می کنیم، گزارشی است از کار و زندگی و مبارزات کارگران  
 کوره پزخانه ها که به کوشش "دانشجویان مبارز طرفدار  
 آزادی طبقه کارگر" (دانشگاه ملی) حدود یک ماه  
 قبل تهیه و در سطح محدودی انتشار یافته است.  
 کسانی که بخواهند در مورد کوره پزخانه ها اطلاعات  
 بیشتری کسب کنند، میتوانند به کتاب "قیام کارگران  
 کشتمال" از انتشارات "نبرد برای رهایی کارگر"  
 که تصویر زنده ای را از چگونگی شرایط کار در کوره پزخا-  
 نه ها و همچنین مبارزات کارگران ارائه می دهد،  
 مراجعه کنند.

**الف: مختصری درباره وضعیت کوره پزخانه ها**

کوره پزخانه های اطراف تهران عمدتا در نقاط  
 خاتون آباد، ورامین، قرچک، جاده ساره متمرکزند.  
 در هر کدام از نقاط فوق تعداد ۴۰ - ۵۰۰ حدود ۱۰۰  
 کوره در جوار هم قرار دارند و در کنار هر کوره، خانه های  
 کوچکی وجود دارد که کارگران عموما با خانواده شان  
 در آنها بسر می برند. تعداد کارگرانی که در هر کوره  
 کاری کنند متناسب با ظرفیت کوره و حدودا بین ۴۰ - ۲۰  
 نفر می باشند، کارگران کوره پزخانه همیشه نبوده بلکه  
 فصلی هستند. در زمستان عده معدودی کارگر در  
 کوره پزخانه بکار مشغولند. در کوره پزخانه کارگران بسر  
 حسب نوع کاری که انجام می دهند، به قسمتهای زیرتقسیم  
 می شوند: کارگران کشتمال، کوره سوز، کوره چین و نظارکش...  
 کارگران کوره پزخانه با بصورت کثرتی کاری می کنند،  
 یعنی بازای هر ۱۰۰۰ عدد آجر که چهار نفر برای  
 تهیه آن کاری کنند و تشکیل اصطلاحا دستگاه را می-  
 دهند، مبلنی به آنها پرداخت می شود. معمولا یک  
 دستگاه از یک مرد و همسر و فرزندان که از روستاها  
 آمده اند، تشکیل می شود و مزدی که تا قبل از اعتصاب  
 اخیر دریافت می کردند بازای هر هزار عدد آجر حدود  
 ۵ تومان بود. کارگران از ۱۵ فروردین به کار مشغول  
 هستند، هنوز وضع دستمزد آنها مشخص نیست قبلا به  
 ازاء هر هزار آجر حدود ۵ تومان می گرفتند و اکنون  
 خواهان اضافه دستمزد می باشند. از نظر امکانات  
 رفاهی زندگی، کارگران در وضع بسیار بدی بسر می بر-  
 ند. در یک اتاق کوچک گاهی تا ۱۰ نفر زندگی می-  
 کنند، آنها گاهی در هوای ۵ درجه بالای صفر و  
 بیشتر کاری می کنند و بعلت نبودن حمام در محل چهار  
 بیمارهای انگلی و پوستی می شوند و اکثر کوره ها از  
 توالت و سایر لوازم بهداشتی خیری نیست. از نظر  
 آب آشامیدنی یلنا نکر آب برای همه افراد یک کوره  
 وجود دارد. بهره کشی از کودکان به شدت تریس  
 شکل انجام می گیرد، بطوریکه بعضی از اطفال که پدر

روز ۱۵ خرداد به دعوت کنفرانس وحدت در راه آزادی طبقه کارگر میهنی در دانشکده پلی تکنیک تهران برگزار شد که در آن فریب ۱۵ هزار نفر شرکت جستند. بنظر ما بزرگداشت این روز از طرف نیروهای غیر مذهبی از آنجهت ضروری بود که برخی میکوشند قیام ۱۵ خرداد را جدا از انگیزه ها و زمینه های اجتماعی - اقتصادی بشناسند آنرا فقط و فقط ناشی از مبارزه روحانیت بدانند. ما نه تنها نقش روحانیت مبارز و همگامی آن با مبارزات آرزوی خلق را نادیده نمیگیریم بلکه نقش یارز و تعیین کننده آیت الله خمینی را در قیام ۱۵ خرداد ارج میگذاریم. بدیهی است آنچه در یک برخورد علمی باید بدیده اهمیت و سادیت دارد این است که همه جوانب و علل بدیده را در ارزیابی خود بحساب آوریم و به یک جانبه نگری نیفتیم، عوامل روبنائی و عوامل زیربنا - شی را هر کدام در حد خود و حدت و شدتی که داشته اند بشناسیم.

برخی از نیروهای مترقی در رابطه با پیشنهادهای بزرگداشت ۱۵ خرداد از طرف نیروهای جب عقیده داشتند که چون این روز، روز روحانیت و نیروهای مذهبی است ما نباید به برگزاری مراسمی اقدام کنیم. آنها با این نظر خود در واقع بر یک تحلیل و بر - داشت یکجانبه از قیام ۱۵ خرداد صحت گذارده و راه را برای انحصارطلبی و جعل و تحریف بیشتر تاریخ باز مینمایند. روز ۱۵ خرداد همانقدر متعلق به زحمتکشان ایران است که سایر ملت ها و بی آنکه بخوابیم و بی گدازیم. ما این درست و موضع نیروهای مارکسیستی لنینیستی است که همواره وظیفه و تحلیل علمی و صحیح خود را به نحوی شایسته و با رعایت شرایط موثر بودن بدون محافظه کاری ابراز دارند.

امادر میتینگ کنفرانس وحدت در دانشکده پلی تکنیک غیر از مقاله ای که راجع به ۱۵ خرداد خوانده شد پیامهایی هم از گروههای زیر قراشت گردید:  
۱- دانشجویان مبارز طرفدار آزادی طبقه کارگر  
۲- عده ای از کارگران شهر صنعتی قزوین - ( طرفدار کنفرانس وحدت ) . درمستی از این پیام آمده است :

" ما عده ای از کارگران شهر صنعتی قزوین، سالگرد قیام انقلابی ایران را علیه امپریالیسم و نوکریان داخلی از ۱۵ خرداد ۴۲ گرامی میداریم. ما مصمم هستیم انقلاب ایران را با سادوی کامل امپریالیسم و ارتجاع داخلی و راه شهیدان عزیزمان را ادامه دهیم، ما ساد حاسوس کینه منکره حزب نوده را که سعی در فریب خلفان دارد محکوم میکنیم. ۳- گروهی از کارگران آبادان . در پیام این رفقای کارگر آمده است :  
" دورد بر شهیدان خلق که در ۱۵ خرداد نشان دادند که تنها راه مناره بر علیه امپریالیسم و ارتجاع مبارزه فیرآزمی می باشد نه نارلمای .

### تجاوز و کشتار جنگنده های عراقی محکوم است

در هفته گذشته جنگنده های عراقی به مرز ایران تجاوز کرده و روستاهای بیدفا عمارا مورد حمله قرار دادند . این حمله موجب کشته شدن چند تن از هموطنان ما گردید . چنین تجاوز و کشتاری تحت هر بهانه ای که صورت گیرد بشدت محکوم است. دولت عراق عنوان کرده است که برای پیگرد و سرکوبی عناصر قیاده موقت دست به این جنایت زده است . در اینکه " قیاده موقت " مزدور ساواک و امپریالیسم و ارتجاع است ، شک نیست . و در اینکه " دولت موقت " نه تنها اقدامی در سرکوبی این باند جنایتکار بعمل نمی آورد بلکه همکاریهای مشخص نیز با این دار و دسته ارتجاعی داشته است . در این نیز جای بحث نیست . ولی اینها هیچکدام نمی توانند تجاوز و کشتار رژیم فاشیست عراق را توجیه کند . بخصوص اگر توجه کنیم که فاشیستهای عراق همواره تحت عنوان فریبنده ای اعمال جنایتکارانه و ضد دمکراتیک خویش را پیش می برند .  
آنکه تحت عنوان مبارزه با بارزانی مزدور ، از دادن حق تعیین سرنوشت به خلق کرد عراق سرباز زدند ، امروز بهیچوجه نمی توانند جنایت خود را تحت عنوان مبارزه با بقایای مزدوران بارزانی توجیه نمایند .

ما عده ای از کارگران آبادان ، با داشتن این تحریر لفظ دیگر حاضر نیستیم زیر بار سارنگاران برویم . تنها راه نجات ما زحمتکشان و وحدت و تسکلات خودمان است ."  
۴- عده ای از علمان قزوین ( طرفدار کنفرانس وحدت ) :  
۱۵ خرداد ۴۲ سالگرد قیام خلفهای رژیم است ایران در برابر سلطه امپریالیستی بین المللی و سرمایه داری وابسته و دیکتاتوری منور محمدزاده شاهی را گرامی داشته و پیوند و همبستگی هر چه بشهر خلفهای تحت ستم ایران را بر علیه استبداد و امپریالیسم بین المللی بسرکردگی آمریکار ارتزوداریم .

۵- عده ای از کارگران شهرک اکباتان قسمت آزمایشگاه و سانترال :  
۱۱، ۱۶ کشتا بارز ما بدست رژیم

منور برین و امیر بها می گذرد . خلق قهرمان مادر ۱۵ خرداد ۴۲ برای مو کامل سلطه و نمود امیر - یالیسم بیاحاست و بی فیرادهای " نایوب باد امیر - یالیسم " و " زده باد آزادی و استقلال " به میدان مبارزه آمد . اما نوکریان امپریالیسم آنها را به خاک و خون کشانیدند .

اکنون که رژیم منفور پهلوی در اثر مبارزات قهرمانانه خلق ایران به رباله دان تاریخ سپرده شده است ساد برای تحقق شعار ، همه خلقهای فیر - مان خود یعنی " برای مو کامل سلطه و نمود امپریالیسم " را پای نصبیم .

۶- عده ای از کارگران صنایع الکتریکی البرز ضمنا چون روز ۱۵ خرداد مصادف با پنجم ژوئن سالگرد تجاوز اسرائیل به خلقهای عرب است مقاله ای در این باره ، در علل و پیا مدهای این جنگ امپریالیستی صهیونیستی و اوجگیری مقاومت فلسطین بعد از جنگ ، خوانده شد .

در این روز ضرورت اتحاد کارگران ایرانی ریشه کن کردن استعمار و اتحاد خلقهای ایران و عرب برای ریشه کن کردن اسرائیل از بارزترین شعارهای بود که بارها از سوی شرکت کنندگان تکرار میگردد .

- ۱- دورد بر شهدای بخون خفته خلق
- ۲- هر چه مستحکم تر باد پیوند روشنگران
- ۳- یالیسم و امپریالیسم و ارتجاع داخلی
- ۴- برقرار باد جمهوری دمکراتیک خلقهای ایران

## اخبار کردستان

از این شغل تامین می شده رفته بودند که هنگام عمل سرت توسط صاحب خانه و بچه هایش مورد هدف قرار می - گیرند که ضمن تیراندازی یکی از برادرزاده های محمد صدیق جاف از ناحیه کمر بشدت زخمی می شود ، سپس سه نفر دیگر او را سوار یکی از دو ماشین که همراه داشته اند کرده و ماشین دیگر را که يك وانت بوده از ترس جا می گذارند و فرار می کنند . اکنون فرد زخمی شده در یکی از بیمارستانهای سنندج بستری است و محمد صدیق جاف هم در فرک انتقام است .  
طبق خبر رسیده ، روز چهارشنبه بنا به دعوت استاندار کردستان محمد صدیق جاف وارد سنندج می شود و جلسه ای در استانداری مرکب از استاندار - محمد صدیق جاف - فرمانده ناحیه ژاندارمری و جمعی دیگر از روسای ادارات تشکیل می تود . این جلسه پیرومذاکراتی است که يك هفته قبل از آن در ده بسطام و بسا شرکت فرس مانده هنگام ژاندارمری کردستان ، فرمانده هنگ ژاندارمری سقز و چند تن از روسای ادارات سقز و محمد صدیق جاف انجام شده و در ضمن آن محمد صدیق جاف از تحویل دادن پاسکاهای که در اختیار داشته خودداری کرده بود .  
در این جلسه بطور قانونی امنیت منطقه بسطام ( منطقه ای وسیع شامل چندین ده و پاسگاه در بین راه سقز - میوان ) به محمد صدیق جاف واگذار می گردد و چنین تصمیم می گیرند اگر در این مدت صلاحیت نامبرده تا قید شد بازم کماکان حافظ امنیت منطقه باشد ، حال این صلاحیت را چگونه تشخیص می دهند بماند ، حال اینجا - ست که فردی همانروز افراد محمد صدیق جاف از سه

● شب پنجشنبه (۱۱/۳/۵۸) بخاطر تخلیه يك کامیون آجر و مزاحمت توسط افراد کمیته مفتی زاده در سنندج درگیری مسلحانه ای بوجود می آید که در ضمن آن دو نفر بنام های احمد محمدی و برادرزاده او عزیز محمدی توسط یکی از افراد کمیته مفتی زاده از پای درمی آیند . مردم پس از مطلع شدن از واقعه ، لاله الا الله گویان تظاهراتی برپا می کنند و سپس با شعارهای " مرگ بر مفتی - کمیته اسلامی مفتی باید گردد - قاتل تحویل باید گردد - به طرف کمیته می روند ، ابتدا از طرف کمیته - جی ها برای متفرق شدن جمعیت اقدام به تیراندازی هواپی می شود ولی جمعیت که از اعمال آنها بشدت ناراحت بوده به این عمل آنها واقعی نمینهد و به ساختمان کمیته حمله می کنند و آنرا به آتش می کشند و تمام اثاثیه آن منجمله مقداری سلاح ( توسط مردم یا عاملین خود مفتی زاده ) صادر می شود ( در این گیرودار کمیته جی ها قاتل را فرار می دهند ) . بعد از مدتی که ساختمان در آتش می سوخت بخاطر خانه های مجاور آنرا خاموش نمودند . جنازه دو نفر همان شب بخاک سپرده می شود و مردم تا پاسی از شب را بیدار ماندند و مینی بوسی هم که مربوط به کمیته بود ، آتش زدند . شورای شهر برای روز بعد اعلام نمود که کمیته ها در اختیار ما بوده و مردم نمی بایست دست به چنین کاری می زدند و کمیته را به آتش می کشیدند . ما با شکل دیگری مسئله را فیصله می دادیم .

● هفته گذشته به دستور محمد صدیق جاف دو نفر از برادرزاده هایش همراه دو نفر دیگر از افرادی برای دزدیدن چند قطعه فرش قیمتی که متعلق بیک خانواده در روستای ..... در منطقه افشار تکاب که زندگی آنها

خانواده در روستای بوخه لو مبلغ بیست هزار تومان باج می خواهند وقت تعیین می کنند که تهیه کنند . دوروز بعد خبردار شدیم که يك خانواده از این سه خانواده به شهر و يك خانواده دیگر به يك روستای دور دست کوچ کرده اند .

### از میوان در مورد قیاده موقت (۱۴/۳/۵۸)

- ۱- نیروهای قیاده با سم پیشمرگهای کرد عراقی شناخته شوند .
- ۲- قیاده ایها در امور ایران دخالت نکنند .
- ۳- قیاده ایها از کارهای گذشته خود در میوان ابراز ندامت کنند .
- ۴- پیشمرگهای بدنام تغییر محل بدهند .
- ۵- پیشمرگهای مسلح به شهر نیایند .
- ۶- از انجام تظاهرات و پخش اعلامیه برضد قیاده خودداری گردد .

با توجه با اینکه تا کنون سران این دار و دسته ضد خلقی آزادانه در بین ما می چرخند و دولت موقت نه فقط هیچ مانعی در راه آنان ایجاد نمی کند ، بلکه کمکهای مشخصی هم به آنها کرده است . معنای توافق فوق چیزی جز رسمیت بیشتر دادن به " قیاده موقت " نیست . سلما این دار و دسته ارتجاعی با استفاده از چنین امکاناتی وقتش به قدر بیشتری رسیدند تمام این توافقات را نیز نقض خواهند کرد .

# نابود باد بقایای امپریالیسم